



ویژه نامه شهرستان گراش

www.gerishna.com

سرمقاله

مهر ۱۳۹۰

گره را چه کسی باز می کند؟

شوراهای شهر از زمان تشکیل خود با چالش های گوناگونی روبه رو بوده اند. ۱۳ سال از عمر نهاد شورا می گذرد و همچنان روابط آن با نهادهای دیگر به ویژه نهادهای حکومتی و انجمن های مردم نهاد نامشخص است. این نامشخص بودن بیش از آن که جنبه قانونی داشته باشد به دلیل نپا بودن شوراهای نسبت به نهادهایی همانند دادگاه ها یا دولت مرکزی است.

در ماه های اخیر اختلاف نظر میان شورای اسلامی شهر گراش و فرماندار شهرستان از جلسات و نامه های اداری گذشته و نمود بیرونی یافته است. شاید بخشی از این اختلافات حاصل دیدگاه های شخصی باشد اما وقتی می بینم این چالش ها تنها مختص شهر ما نبوده و در بسیاری از شهرهای دیگر فرمانداری ها و شوراهای شهر دچار تداخل عملکرد و دیدگاه است باید کمی وسیع تر به موضوع بنگریم.

شوراهای شهر در سطح شهرستان تنها نهادی هستند که مستقیماً توسط مردم انتخاب می شوند، از این رو حق خود می دانند که در مسائلی که به مصالح شهروندان مرتبط است دخیل باشند. از سوی دیگر قانون شوراهای اختیار شوراهای شهر را محدود کرده و نمایندگان دولت بر اساس قانون، حیطه عمل شوراهای شهر را در حد شهرداری و مسائل مرتبط با آن می دانند. هر دو سوی ماجرا حق دارند و حرف درستی را می زنند. شوراهای گلایه دارند که فرمانداران آنان را تنها زمانی که می خواهند و به آن ها نیاز دارند به بازی می گیرند اما وقتی به عنوان نماینده مردم اظهار نظر می کنند فرمانداران حق نمایندگی و اظهار نظر آن ها را محدود به مسائل شهری می دانند.

۰۲

«حمایت» ازدواج و زندگی در گراش را بررسی می کند

از عقده های نیمه کاره تا ازدواج های المثنی

دختران عقد کرده حق درس خواندن ندارند؟

با هوویم مثل خواهریم

جشن گلدسته درروز راهمایی که به خانه بخت می رسند ازدواج

شماره پنجم
ضمیمه شماره ۲۳۶۶
آبان ماه ۱۳۹۰
ذی الحجه ۱۴۳۲
نوامبر ۲۰۱۱
۱۲ صفحه + هفت برکه
۵۰۰ تومان

در خبری دیگر به وضعیت نامشخص زنان و دختران دانش آموز نگاه می کنیم. این گونه دختران جایی در مدارس عادی ندارند و به اجبار به مدارس شبانه فرستاده می شوند. موضوعی که ابتدای امسال نارضایتی عده ای از خانواده ها را به همراه داشت.

کرده اند مسیر زندگی شان را تصحیح کنند. «به هم زدن نامزدی» و یا «طلاق قبل از ازدواج» چندان خوشایند خانواده ها نیست. اما بعضی از جوان ها قدرت این را دارند که در صورت اشتباه تشخیص دادن انتخاب اولیه خود و خانواده شان، دست به انتخاب مجدد بزنند.

شاید مهمترین انتخاب زندگی باشد. اما برای بعضی ها این انتخاب به این سادگی نیست. این بار سعی کرده ایم نگاهی متفاوت به ازدواج داشته باشیم. در دو گزارش پروننده ازدواج به سراغ زنانی رفتیم که به عنوان هوو وارد زندگی دیگران شده اند. یکی از زندگی اش راضی است و دیگری دل خوشی از سرنوشت خود ندارد. تجربه ای متفاوت در ازدواج که خواندنی است.

در گفتگویی دیگر به سراغ دو جوان رفتیم که سعی

۰۵ ۰۸



سه هزار نفر به دیدن خاله شادونه رفتند - (تقاسی: محمدامین توپیار)



۰۲

۰۴

قفل خیابان دروازه کی باز می شود؟



می گویند ساختن این خیابان از ترافیک خیابان اصلی می کاهد. اما خیابان دروازه همچنان ناتمام است. شهرداری می گوید اهالی خیابان همکاری نمی کنند و مردم می خواهند شهرداری سریع تر عمل کند

۰۲

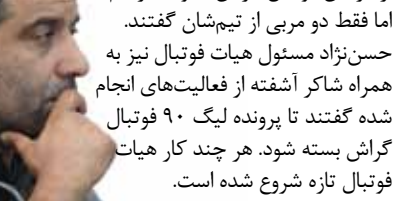
حسین شیری فرماندار مهر شد



حسینعلی حسین شیری اولین گراشی است که بر صندلی فرمانداری یک شهرستان تکیه می زند. این مدیر جوان بعد از بخشداری در خنج به شهرستان مهر می رود.

۱۱

لیگ فوتبال خوب بود ولی می تواند بهتر باشد



از مربیان فوتبال گراش دعوت کردیم اما فقط دو مربی از تیم شان گفتند. حسن نژاد مسئول هیات فوتبال نیز به همراه شاکر آشفته از فعالیت های انجام شده گفتند تا پرونده لیگ ۹۰ فوتبال گراش بسته شود. هر چند کار هیات فوتبال تازه شروع شده است.

۰۲

هفت بر که ی زلال فرهنگ



همراه این شماره، هفت بر که را از فروشندگان بخواهید. هفت بر که در ۲۰ صفحه مروری دارد بر فعالیت های گروه گردآورندگان فرهنگ گراشی

۰۲

خانواده های نوروزی

خاندان سیمیه باختر

اخذ کمربند مشکی دان یک کلاه

سبک وادونیو بین المملی را تبریک گفته

و موفقیت شما را در سطوح بالاتر آرزو مندیم

خانواده ها: احمد و ملیکا

محمد کاظم صمیمی عزیز

۱۷ آبان ماه

اولین سالروز تولدت مبارک

با شکفته شدنت جای خالی

از دست رفته ملک واپس کردی

اها جون، مادر جون

دای جون، خاله جون

ایمن سازه

مدیر: مهندس مجتبی دلاور

طراحی معماری

محاسبه سازه های اسکلت بتنی و فولادی

نظارت و اجرای ساختمان

طراحی و اجرای دکوراسیون داخلی

اسنجمک بنا

نقشه برداری

محوطه سازی

فارس / گراش، بلوار سرداران

روبروی فرمانداری، ورودی تالار پذیرایی

۰۷۸۲-۲۳۳۱۲۱۶

۰۹۱۷۷۸۲۵۷۳۳

چکاپ سنتر

عیب یابی و تنظیم موتور با دستگاه کامپیوتری USI 6

تست و تشخیص تراکتور با

آپدیت سیستم و دستگاه HP-T

تعمیر ECU

۲۳۳۰۶۶۸

مستول: حمزه حسینی ۰۹۱۳۸۲۰۳۸۸

بلوار سرداران - نیش خیابان شهیدای گندام

جناب آقای محمد س حاج محمود نوروزی

ریاست محترم منته

حضور و عضویت شما در هیئت مدیره شرکت بهره برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی مایه مباهات و افتخار ماست.

ضمن عرض تبریک، موفقیت و سلامتی جناب عالی را از خداوند متان خواستاریم.

خانواده های نوروزی و محمد گریم زاده

همیشه یک روز بارانی است.

ایزوگام ملایی

با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۷ ۳۸۲ ۰۴۲۲

پستکاری آستانک

حلیت شیشه

نشانی: جنب اداره اوقاف

مغازه: ۲۲۲ ۷۴۳۹

با ضمانت و بیمه نامه معتبر

پارسیان استیل Perasain Steel

اجرای ترده های اسنخبل و آلومینیوم

با ضمانت نامه کتبی

۰۹۱۷ ۱۸۲ ۱۵۵۸

۰۹۱۷ ۱۸۲ ۱۴۷۷

آدرس: گراش / جنب پاساژ صادق

سربل سالروز در گذشت عزیزمان رحمت نظری

سالی دیگر گذشت و بهار هفت گل های باغ دلننگی فو شده اند مثل همهی ما

از طرف خانواده

اطلاعیه

قابل توجه باغداران عزیز شهرستان گراش

خواهشمند است جهت جلوگیری از عواقب بعدی از کاشت نهال مرکبات و سایر گونه های مشر غیر استاندارد خودداری نمایید و جهت هرگونه راهنمایی فنی و کارشناسی لازم به واحد باغبانی مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان گراش مراجعه فرمایید.

روابط عمومی مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان گراش

نما سازان جنوب Aluminum Composite Panel TAKAND

اجرای نمای کامپوزیت

Alubond

۰۹۱۷ ۱۸۲ ۱۰۸۲

آدرس: گراش / جنب پاساژ صادق



خبر

سرمقاله

محمد خاوریور

چه کسی این گره را باز می‌کند؟

ادامه از صفحه نخست:

این اختلاف دیدگاه در شهرهای بزرگ نیز دیده می‌شود اختلاف دیدگاه شهرداری تهران و دولت در مورد مترو و متوریل معروف‌ترین این نمونه‌هاست. در گراش با مصلحت‌اندیشی‌های انجام شده تاکنون کمتر شاهد این گونه تداخل دیدگاه‌ها بودیم اما اختلاف‌هایی که در این ماه نمود بیرونی یافت باعث کند شدن فعالیت‌های عمومی شهر شده و هر دو سوی یکدیگر را به سنگ‌اندازی در مسیر خدمت‌رسانی متهم می‌کنند. مشخص‌ترین نمود این اختلافات شکایت فرماندار از رییس و یک عضو شورای شهر به دلیل معاونت در انتشار پیامک افتراآمیز است. شورا نیز معتقد است فرماندار عملکرد مطلوبی نداشته و کمک‌های خود به فرمانداری را قطع کرده‌اند. البته اگر پای صحبت‌های هر کدام از دو گروه و هواخواهان آنان بنشینند از بدگویی در برابر دیگری دریغ نمی‌کنند.

در گراش نقش آفرینی شورا برای انتخابات مجلس و رایاقتن علی‌اصغر حسنی به مجلس هشتم و بعد از آن همکاری و تأمین مالی هسته پیگیری شهرستان شدن باعث شد که شورا در حیطه شهرداری نماند. این نقش‌ها باعث شد که بعد از راه‌اندازی فرمانداری نیز بسیاری از شهروندان همچنان توقعات خود را از شورای شهر مطرح کنند در حالی که مسائلی همانند محدوده شهرستان و یا راه‌اندازی ادارات جزو وظایف شورای شهر نیست. فرمانداری در این‌گونه موارد توقع دارد شورا به عنوان دستیار فرماندار باشد نه این که خود راساً عمل نماید. برای شورای شهر برگشتن به خانه اول سخت است زیرا آنان مدعی هستند که به نمایندگی از مردم خواسته‌های آنان را پیگیری می‌کنند.

فرماندار و شورای شهر تنها نقش آفرینان عرصه سیاست در گراش نیستند. شاید گره کار در دست نماینده مجلس و امام جمعه شهر باشد. تلاشی امام جمعه این بود که با کنار هم قرار دادن شورا و فرماندار در جلسه‌ای فضای دوستی و وحدت را بازگرداند اما شلوغی این جلسه و حضور افراد زیاد باعث شد که بحث‌های متفرقه زیادی مطرح شود و فرصتی برای بیان دلخوری‌ها و دغدغه‌های اصلی باقی نماند.

بدون توجه به این مشکلات ساختاری نمی‌توان مشکلات و دلگیری‌های به وجود آمده را رفع کرد و جلو تکرارشان را گرفت. از نظر ساختاری می‌توان از نظرات شورا به عنوان نماینده مردم استفاده بیشتری کرد. فرماندار می‌تواند با نگاهی راهبردی نقش نیروهای مختلف را تعریف کرده و از ظرفیت‌های شورا برای جذب کمک‌های معنوی و مادی مردم استفاده کند. در سوی دیگر شورا باید به محدودیت‌های قانونی موجود آگاه بوده و تنها در نقش مشاور نماینده دولت یا نماینده مردم قرار بگیرد.

در گره به وجود آمده چشم‌ها به سوی نماینده مجلس است. شاید حسنی لازم است شفاف‌تر در قضیه وارد شود. دو سوی ماجرا نگاه‌شان به اوست. انتخاب فرماندار بی‌تردید با اطلاع نماینده مجلس انجام شده است و شورای شهر نیز در پیگیری شهرستان شدن گراش و بعد از آن راه‌اندازی ادارات همراه با حسنی بوده است. حالا باید دید حسنی در این میان چه نقشی را بازی خواهد کرد، در حالی که تنها چهار ماه دیگر تا انتخابات مانده است.

خبرپول

محمدابن نوید

سه هزار گراشی به استقبال خاله شادونه رفتند تا کودکان بعد از مدت‌ها برنامه‌ای شاد ویژه خودشان داشته باشند. کم‌تر پیش می‌آید که مراسمی ویژهٔ کودکان شهر برگزار شود. حتی در روز جهانی کودک، جز جشن بادیادک‌بازی، هیچ برنامه‌ی دیگری در این رابطه برگزار نشد. اما مهم‌ترین خبر هفته‌ی اول آبان‌ماه مربوط می‌شود به مراسمی ویژهٔ کودکان سالان بود. حضور «ملیکا زارعی» یا به زبان بچه‌ها «خاله شادونه» در گراش به دعوت هیچ‌کدام از نهادهای حامی کودکان نبود؛ بلکه یک گروه فرهنگی-تجاری مسئولیت این برنامه را به عهده داشت.



تولید ۲۵ میلیون نشا گوجه فرنگی توسط حسن جعفری [جهاد کشاورزی]

ملیکا زارعی مراسمی ویژهٔ خردسال صدا و سیما است که به عقیده برخی از منتقدین اولین کسی است که فرم کلاسیک و خشک اجرای مجرای زن برنامه‌های کودک را تغییر داد. بعضی دلیل جشن بادیادک‌بازی، هیچ برنامه‌ی را فرم خاص چهره و صدای او می‌دانند. مخاطب اصلی برنامه‌های خاله شادونه کودکان خردسال سه تا پنج سال هستند. مختص خادونه با چهار اجرا در هفتهٔ اول آبان‌ماه مورد استقبال بسیاری از کودکان شهرهای گراش و لار و اوز قرار گرفت. به گفته‌ی مسئول برگزاری این برنامه وی برای هر اجرا پنج میلیون تومان دستمزد گرفته است. ملک‌محمدی مسئول برگزاری

امام جمعه گراش: وضعیت ادارات مشخص شود

رویداد شهر: امام جمعه گراش خواهان شفاف‌سازی در مورد ارتقا و وضعیت ادارات شد. در نماز جمعه ۱۵ مهرماه حجت الاسلام حلاجی امام جمعه گراش در خصوص ادارت شهرستان گراش گفت: با توجه به اتفاقات خوبی که در این برهه از زمان ما شاهد بودیم، هنوز گزارش دقیقی از این برنامه‌ها به مردم ارائه نشده است. حلاجی افزود: کلیاتی در مورد ادارات گفته شده است اما هنوز برای مردم سوال است که چند اداره ارتقا یافت؟ چند اداره تالسیس شد؟ و یا این که چند اداره هنوز مستقل نشده است؟ این برای بسیاری از مردم سوال است که باید از دقیقی ارائه کند.

امام جمعه گراش از مسئولین، خصوصاً فرماندار شهرستان درخواست کرد جهت روشن شدن افکار عمومی، عین واقعیت‌هایی که وجود دارد مطرح کند که مردم بدانند تا کجا پیشرفت کرده‌ایم و چه کارهایی مانده است.

حجت الاسلام حلاجی در خصوص اتفاقی



مانور نجات از ارتفاع- [عکس: عبدالرضا افشار]

فروش سه هزار بلیت

شادی بچه‌ها در کنار خاله شادونه



چشم مشتاق بچه‌ها برای دیدن خاله شادونف- [عکس: محمدامین نویدار]

این برنامه در گراش هم‌چنین گفت: «این برنامه با هم‌کاری ویدئو کلوپ جام‌جم در گراش برگزار شد و جمعا حدود ۳۰۰۰ بلیط فروخته شد.» او گفت «اولین‌باری است که در یک شهر می‌بینم که پدرها این‌قدر از

حسینعلی حسین‌شیری فرماندار مَهر شد

گریشنا: حسینعلی حسین شیری ۷ آبان ماه بر صندلی فرمانداری شهرستان مَهر نشست. خبرگزاری فارس از مهر گزارش داد در جلسه شورای اداری شهرستان مهر که با حضور معاون سیاسی امنیتی استاندار فارس، مدیرکل سیاسی، انتخاباتی و تقسیمات کشوری استانداری فارس و مسئولان این شهرستان صورت گرفت، حسینعلی حسین‌شیری به عنوان فرماندار جدید شهرستان مهر معرفی شد.

حسینعلی حسین شیری متولد شهر گراش است و مدت دو سال در پست بخشدار مرکزی خنج حضور داشت. فرمانده گروهان ثارالله مشاور فرماندار لارستان از دیگر سوابق اوست. حسین شیری دارای مدرک کارشناسی حقوق از دانشگاه آزاد اسلامی واحد لار است و به‌همراه امسال در رشته حقوق عمومی واحد بین‌الملل دانشگاه شیراز پذیرفته شد. چند روز پیش قاسمی وزیر فعلی نفت از شناخته شده‌ترین نیز نام وی در میان پذیرفته‌شدگان جدید

آماده‌باش برای سرشماری عمومی نفوس و مسکن

۲۵ نفر برای شمردن ۴۵ هزار گراشی

۲۵ آمارگیر، در ۲۱ روز سرشماری نفوس و مسکن شهرستان گراش را انجام می‌دهند.

اژدری کارشناس فنی و اجرایی سرشماری نفوس و مسکن شهرستان گراش در گفتگو با وبگاه رویدادشهر گفت: سرشماری نفوس و مسکن امسال در گراش با پنج گروه آمارگیر و شانزده نفر در حوزه شهری و ۹ نفر در حوزه روستایی از دوشنبه دوم تا بیست و دوم آبان‌ماه هم‌زمان با سراسر کشور درحال برگزاری می باشد.

اژدری ساعات کاری ماموران را هفت و نیم صبح لغایت هجده عصر اعلام کرد. وی افزود: ماموران آمار گیر، با جلیقه‌ای که آرم مرکز آمار بر روی آن حک شده و با کارت شناسایی نارنجی رنگ به منازل مراجعه میکنند. اژدری تعداد سوالات پرسیده شده از هر خانوار ۶۰ مورد عنوان کرد و افزود:



آمارگیری سال ۹۰- [عکس: محمد امین نویدار]

ساز انجمن موسیقی دوباره کوک شد

دبیران انجمن موسیقی گراش، یکی از انجمن‌های نیمه‌تعطیل شده‌ی خانه فرهنگ، مشخص شدند تا دوره‌ی جدیدی از فعالیت این انجمن را رقم بزنند. هجدهم مهرماه سوسمین مجمع عمومی انجمن موسیقی در خانه فرهنگ گراش تشکیل شد و با انجام رای‌گیری از میان کاندیداباها، ابوالحسن حسینی، میلاد خواجه‌گراشسی، علی اکبر حامل، عباس امانی و میثم پورملا به عنوان دبیران این دوره انجمن شناخته شدند.

آخرین مجمع عمومی این انجمن در مهرماه سال ۱۳۸۵ تشکیل شده بود، که از میان دبیران انتخاب شده در آن سال، میثم پورملا و ابوالحسن حسینی در این دوره هم حضور دارند. مجید رایگان، ام‌الله عباسپور و اسدالله حسین‌شیری اعضای دیگر آن گروه بودند. گروهی که به دلایل مختلف، در این چند سال اخیر نهضت عاشورا را به بهره‌گیری از عناصر نمایشی توصیف کرد. محمد رسولی‌نژاد، یونس وقارفرد و مهدی جباری شروع به کار کرد، و حدود دو سال در طبقهٔ بالای پاساژ سعادت فعالیت کرد. با تشکیل خانه‌ی فرهنگ، انجمن موسیقی هم به این محل نقل مکان کرد، و در آذرماه ۸۳ اولین مجمع عمومی این انجمن تشکیل شد. ابوالحسن حسینی در آن دوره نیز به ریاست انجمن موسیقی رسید؛ و مجید رایگان، ام‌الله عباسپور، احمد نیکخو و مرضیه غلامی به عنوان دیگر اعضای گروه دبیران انتخاب شدند.

انجمن سسوم در حالی تشکیل می‌شود که علاوه بر گروه موسیقی «پارسینا» که زمزمه‌ی آغاز فعالیت دوبارهاش شنیده می‌شود، گروه موسیقی «مودو» هم کارش را شروع کرده است. حضور یک موسیقی‌کار سنتی، یعنی علی اکبر حامل هم می‌تواند در برقراری تعادل انجمن بین انواع مختلف موسیقی موثر باشد.

هر مامور ۶۰ سوال از هر خانوار خواهد پرسید که تقریباً بیست تا سی دقیقه به‌طول خواهد انجامید. کارشناس فنی و اجرایی سرشماری نفوس مسکن

اژدری در پایان از مردم خواست که هر خانوار پرسیده می‌شود، در مورد تحصیلات افراد خانوار، وضعیت شغلی، وضعیت سکونت و مشخصات فنی ساختمان است.

وی درادامه افزود: اگر هنگام مراجعه مامور به منازل اعضای خانواده در منزل نباشند، مامور آمارگیر از همسایگان اطلاعات عمومی را خواهد پرسید و برای توضیحات تکمیلی مجددا مراجعه خواهد کرد.

اژدری گفت: اگر خانواده‌ای تا آخرین روز از اجرای سرشماری، مامور سرشماری به منازل آنها مراجعه نکرده باشد که چنین مواردی پیش نخواهد آمد، می‌توانند به دفتر سرشماری

۲۵ آبان آخرین فرصت رسیدن به کل

جشنواره فیلم کوتاه کل گراش با برخی تغییرات در داوری و اجرا دی‌ماه امسال برگزار خواهد شد.

به گفته سایت رسمی جشنواره از جمله مهم‌ترین تغییرات این دوره جشنواره، تخصصی شدن بخش‌ها و رشته‌های مورد داوری است. در حالی که داوران سه‌سال‌های قبل فقط در بخش‌های فیلم مستند، فیلم داستانی، پویانمایی، نمانهنگ و بخش ویژه‌ی بومی‌گرایی به قضاوت بین آثار می‌پرداختند، از امسال، داوران باید بهترین‌ها را در رشته‌های تخصصی‌تر سینمایی یعنی کارگردانی، تصویربرداری، فیلم‌نامه و تحقیق، صدابرداری و موسیقی، تدوین، و بازیگری نیز انتخاب کنند. بدین ترتیب، ده تدنیس جشنواره هشتم به‌اضافه‌ی دیپلم افتخار و جایزه نقدی به بهترین‌ها در هر کدام از بخش‌های ذکر شده تعلق خواهد گرفت. بهترین فیلم از نگاه تماشاگران نیز برنده‌ی تندیس یازدهم خواهد شد. فیلم‌های این دوره در سینما شهر قصه نمایش داده می‌شود و مراسم پایانی در دانشکده علوم پزشکی برگزار خواهد شد.

از دیگر تغییرات مهم جشنواره هوشمی، شرکت فیلم‌سازان از استان‌های هر‌مزگان و بوشهر در بخش ویژه بومی‌گرایی است. عبدالعلی صلاحی در این زمینه نیز اظهار می‌کند: «این تصمیم را می‌توان در واقع قدم اول در راه منطقه‌ای کردن همه‌ی بخش‌های جشنواره در سال‌های آینده دانست.» افزوده شدند دو کمیته‌ی تشریفات و انتشارات به کمیته‌های هیات برگزاری نیز نشانه‌ی دیگری از این هدف‌گذاری برای دوره‌های آینده جشنواره است. یازدهم آبان‌ماه آخرین مهلت ارسال فیلم‌ها به جشنواره استانی فیلم کوتاه کل گراش بود که به دلیل ارسال دیرنهم‌گام فراخوان‌ها این مهلت دو هفته تمدید شد.



روز جهانی غذا در دبیرستان ام‌البنین (۱۰- [عکس:حبیبه بخشی]



کارگاه امر به معروف و نهی از منکر - [عکس: سعید توکلی]

چندخط‌خبر

سهم گراش از افزایش نیروی انسانی: ۱۰ نفر

گریشنا: ۱۸ نفر آماده ورود به ادارات گراش هستند که از میان آنان ده نفر جدیدترین کارمندان ادارات گراش خواهند بود.

نتایج اولیه آزمون استخدایم دستگاه‌های اجرایی استان فارس اعلام شد.

بیشتر کارمندان آینده گراش راهی فرمانداری می‌شوند.

جعفر اژدری و محمدزمان راستگو و طاهره فروزش به عنوان کارشناس امور کشوری و مدنی در مرحله نخست معرفی شده‌اند که از میان آن‌ها دو نفر وارد فرمانداری خواهند شد. محمدکاظم جعفری، احمدرضا سکوتی در پست مهندس راه و ساختمان ثبت‌نام کرده‌اند که یکی از آنان کارمند فرمانداری خواهد شد. از بین حسینعلی حسین‌شیری و محمدابراهیم کرمی‌زاده یک نفر مامور حراست فرمانداری انتخاب می‌شود. حسین‌شیری چند روز بعد از این‌خبر فرماندار مهر شد. زهرا خودمهر و زینب رهسپار کاندیداهای کارشناس امور اداری در فرمانداری هستند. کارشناس تحلیل گر سیستم مریم شریعتی‌راد یا روح الله کامران‌فرد خواهد بود. به این ترتیب شش نفر در فرمانداری و بخش‌های وابسته به آن استخدام خواهند شد.

در اداره جهاد کشاورزی رحمت پاریاب و سجاد روستایی نامزد استخدام به عنوان کارشناس اصلاح نباتات و زراعت هستند و در اداره منابع طبیعی از بین عنایت‌الله جانفزا و فریدون رحیمی کارشناس خاک‌شناسی و حاصل‌خیزی خاک خواهد شد. علی داوری‌فرد یا سعید رستگار کارشناس امور بهزیستی و معلولین خواهد بود و ابراهیم نظری به احتمال زیاد کارشناس اوقاف اداره اوقاف گراش خواهد شد.

oooooooooooooooooooooooooooo

برداشت خرما و کنجد در گراش

برداشت دو مرحله‌ای دانه روغنی کنجد و خرما در سطح شهرستان آغاز شد. مجتبی صالح مسئول زراعت جهاد کشاورزی، بخش سطح زیر کشت کنجد را در شهرستان در سال جاری ۴۳۰ هکتار اعلام و پیش‌بینی کرد تا پایان عملیات برداشت، مقدار ۳۵۰ تن دانه روغنی کنجد از این سطح استحصال و روانه بازار مصرف شود. صالح با اشاره به بیماری شایع پوته میری در این محصول تنها راه مبارزه با این معضل را ضد عفونی بذر در زمان کشت و حتی الامکان استفاده از بذر گواهی شده دانست و گفت در کشت سال آینده این موارد مورد پی‌گیری جدی مدیریت کشاورزی قرار خواهد گرفت.

مسئول باغبانی جهاد کشاورزی هم پیش‌بینی کرد از سطح ۱۲۵۰ هکتار نخیلات آبی شهرستان قریب به ۶۰۰۰ تن خرما که اغلب از رقم شاهانی و ارقام دیگری نظیر خاصویی، قصب و لشت است استحصال و روانه بازار شهرستان و استان خواهد شد.

ضمناً کار خرید توافقی خرما نیز با هماهنگی تعاونی‌های تولید شهرستان در حال پی‌گیری است تا در صورت کاهش قیمت بازار طبق ابلاغیه از سوی استان به انجام برسد.

oooooooooooooooooooooooooooo

قتل در داراب، دستگیری در گراش

ابوطالب ج. پس از هشت سال در گراش دستگیر شد.

هشت سال قبل در درگیری خیابانی، در داراب ابوطالب ج. با ضربه چاقو بر سینه ایرج نرمانی او را به قتل رسانده بود و پس از آن متواری شده بود. سرهنگ انصاری فرمانده نیروی انتظامی گراش توضیح داد: «از طریق منابع خبری از سکونت این فرد در خیابان درمانگاه آگاه شده و طی عملیاتی منسجم و فافلگیرانه موفق به دستگیری این شخص شده و با هماهنگی منابع قضایی متهم به واحد انتظامی محل وقوع جرم تحویل داده شد.»

گفته می‌شود این فرد چندین بار به صورت مخفی برای دیدار با مادر خود به داراب بازگشته. به هر حال هشت سال از وقوع قتل توسط ابوطالب گذشته بود و این فرد چندین سال به زندگی و کار در گراش، همراه با خانواده خود مشغول بوده تا اینکه دوشنبه بیست و پنجم مهرماه به چنگ قانون افتاد. سرهنگ انصاری به همشهریان هشدار داد پس از شناسایی کامل افراد به آنها خانه احاره بدهند. تا از بروز مسائلی اینچنین جلوگیری شود.

oooooooooooooooooooooooooooo

زوج‌های جوان در جشن گلدسته

سالان کنفرانس دانشگاه علوم پزشکی گراش هفت آبان پر از عروس و دامادهای سال نودی بود. سازمان تبلیغات اسلامی به مناسبت سالروز ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) در برنامه‌ای از تمامی عروس و دامادهایی که در سال ۹۰ ازدواج کرده بودند دعوت کرده بود تا در این جشن حضور پیدا کنند. بیش از سیصد نفر از مدعوین و زوج‌های جوان میهمان این همایش بودند که مصطفی کارگر کار اجرای آن را بر عهده داشت.

سخنران اصلی این برنامه حجت الاسلام برادران بود. حجت الاسلام باقری رئیس سازمان تبلیغات گراش هم در صحبتی کوتاه گفت: امیدواریم این برنامه در سال‌های آینده هم اجرا شود و شهرهای همجوار هم چنین برنامه‌هایی را ترتیب دهند.

از دیگر برنامه‌های جالب توجه این همایش، مراسم عقد آقای جنگجو و خانم یوسفی بود که روی سن اجرا شد.

هدایایی شامل یک جلد قرآن کریم با تفسیر آیت اله مکارم، مفاتیح الجنان، کتاب بهشت خانواده و لوح اخلاقی مزین به عکس زوجین به عروس و دامادها اهدا شد. این همایش با اجرای سرود و برنامه‌های طنز ادامه پیدا کرد و در پایان از مدعوین به صرف شام پذیرایی شد. فرماندار، امام جمعه و تنی چند از مسئولین شهر در این همایش حضور داشتند.

oooooooooooooooooooooooooooo

شهرداری جایگاه CNG را

می‌فروشد

شهرداری با توجه به سودآور نبودن جایگاه سوخت CNG در نظر دارد این جایگاه را با توجه به قوانین و مقررات موجود به مناقصه بگذارد. کارشناسان شهرداری میزان ضرر دهی ماهیانه حدود ۳ میلیون تومان را برآورد کرده‌اند. پیش از این هم این جایگاه به خاطر بدهی شهرداری به شرکت گاز نیمه تعطیل بود. زمزمه‌هایی مبنی بر خرید این جایگاه از سوی فردی است که مالک تقریباً نیمی از جایگاه‌های سوخت استان است.

روی صندلی نشست‌ه بودم. راهرو شلوغ بود و مردم از این اتاق به آن اتاق می‌رفتند. رفته بودم موتورم را آزاد کنم. هنوز نوبت‌ام نشده بود. کنار من مردی نشسته بود و داشت برای بغل دستی‌اش تعریف می‌کرد چه طوری پایش به دادگاه و شورا باز شده است: «آدم‌ام از برادر بزرگ‌ام شکایت کنم، عمویم زمینی داشت که قبل از مرگ‌اش وصیت کرد و زمین را به برادرزاده‌هایش که من و سه برادر دیگرم باشیم بخشید. آخر او پچهای نداشت. مادر سندن پیش برادر بزرگ‌تر بود و به ما سندی دست‌نویس داد. حالا زیر همه چیز زده و می‌خواهد زمین را بالا بکشد. یکی از برادرهایم به واسطه ازدواج دخترش با پسر برادر بزرگ‌تر شکایتی ندارد. این وسط سر من و دیگر برادرم بی‌کلاه مانده است.»

«برداشته چهار طرف آن زمین به آن بزرگی که هیچ حضاری ندارد و بایر است کبه کبه سم ریخته که دام‌های مردم از این زمین رد نشوند. آخر فلان فلان شده، اگر دستم بهت نرسد ... ۲ میلیون ضرر کردم. پیدرش از ... مرد همان طور که با همراهش بلند بلند حرف می‌زد، از درب ورودی خارج شد. «۲ میلیون، فقط ۲ میلیون برای فلاتی. می‌شناسی‌ش؟ فلاتی که آن همه ماشین دارد و آن همه ماشین و ... چقدر صبر کنم؟ می‌همی امروز و فردا می‌کند. یک چک ۲ میلیونی سرمایه‌دار نیستم که ... ۲ میلیون برای من تمام زندگی‌ام است.» مستقیم آمد به طرفام، بی هیچ مقدمه‌ای شروع کرد به حرف زدن. می‌شناختنش. راست می‌گفت. دو میلیون برای او تمام زندگی‌اش بود.

آن ۲۰ سالروز تاسیس شوراهای حل اختلاف است. با وجو تلاش زیاد این شوراهای حجم سنگینی از پرونده ها در شعبه‌های شورای حل اختلاف روی هم تان‌بار شده است، که این خود پروسه دادرسی را طولانی کرده است. در

یک پرونده سانی مثل یک چک برگشت‌خورده که از هر لحاظ مدارک آن کامل و احتیاجی به احراز سند و مدرک زیادی نیست، از تحویل پرونده به شعبه مورد نظر تا اولین جلسه دادرسی حدوداً ۲۰ روز ای یک ماه زمان می‌برد. از اولین جلسه دادرسی (اگر با صلح و سازش به پول‌تان نرسید و به تعبیری طرف‌تان حرفه‌ای باشد) طی مراحل قانونی پرونده ۶ الی ۷ ماه و سرجمع ۸ ماه باید برای وصول یک چک یک میلیونی در راهروی دادگاه و شورا رفت و آمد کنید. در بعضی از پرونده‌ها بعد از وصول پول، طرف شما برای این که شما را بیشتر سر بدواند، این پول را به حساب دادگاه واریز می‌کنند؛ و این نیز خود داستانی است بس طولانی. آخر وصول پول از دادگاه دست کم ۳ الی ۴ ماه وقت می‌برد! مساله دیگر آن که تعریف شوراهای حل اختلاف از قانون و مسائل حقوقی گاهی اوقات سلیقه‌ای‌ست، چرا که یک پرونده برگشت چک پرونده نشود، حال آن که همان پرونده در شورای خنج یا بیرم یا لار ۳ ماهه مختومه می‌شود. یک نصیحت و یک راهنمایی: تا آنجایی که امکان دارد سعی کنید کارتان به دادگاه و شورا نکشد. اگر هم کشید (اگر شما شایکی هستید و طرف‌تان ساکن شهر دیگری‌ست) از شورا و دادگاه همان شهر اقدام کنید، چرا که زودتر به نتیجه می‌رسید.



محل هفتگی انس با قرآن در مسجد مناجات‌الزمان-۳- [حجت عابدی]



فصل دوشاب گیری- [ابوالحسن حسینی]



هفته تربیت بدنی [عبدالرضا افشار]



جشن گذسته- [سعید توکلی]



جلسه آموزش باغداران [سعید توکلی]

رهنمود

آیت‌الاسلامی‌نازای



به سؤالات او جواب بدهند، با او همکاری کنند، تا ان‌شاءالله این فرم به نحو صحیح پر بشود.

بیانات در دیدار ستاد سرشماری نفوس و مسکن - دوم آبان ۱۳۹۰

News
Masoud Ghafoori

HOSSEIN-SHIRI APPONTED AS MOHR’S GOVERNOR

October 29th, Hossein-Ali Hossein-Shiri, was appointed Mohr’s governor. His official service was announced in the administrative meeting of the county of Mohr, where Hossein Firooz-Abadi, the political and security assistant of Fars Governor-General, called “one of the industrial and strategic poles of Fars”, whose development “should be accelerated.” Hossein-Shiri gained experience for becoming a governor by administering for two years in the highest rank of the county of Khonj, in the province of Fars, and also as a counselor for Larestan’s governor. He has also been the commander of Sar-Allah Company, and was on his way to getting employed in Governor’s Office of Gerash as the security director. He is majoring in General Law in the international branch of Shiraz University. Mohr is situated in the southwest of Fars. It became a city in 1995, and only six years later, in 2001, it was promoted to a county with 4 divisions and 8 rural districts. From among the highly influential citizens of Mohr, Mousavi-Lari, the former Minister of Interiors, and Ghasemi, the present Minister of Oil are well-known faces.

الأخبار
رائیه ادبی

مزحة الاطفال بقدم "خاله شادونه"

من القليل ان يقام احتفالات للأطفال في المدينة حتى في يوم العالمي للاطفال. اما من اهم الاخبار في هذا الأسبوع يتعلق به حضور الفنانة مليكا زارعي المثلثة العذيرة و مجرية برامج الأطفال التلفزيونية المشهور به "خاله شادونه"، التي تم تلقى دعوة رسمية من قبل اى من الجهات الحمية للأطفال افا تم دعوتها من قبل المؤسسة الثقافية التجارية التي تعهدت هذا البرنامج.

مليكا زارعي مديعه برامج الأطفال في الإفاعة و التلفزيون التي يعتقد بعض المنتقدين افا من اوائل الناس اللاقى عزت اجراء الكلاسيكي .

يعتقد البعض يرجع نفوذ خاله شادونه في قلوب الأطفال آل صوت و شكلها أجرت أربعه حظات التي حادت بإستقبال كثير من الأطفال في كراش و لار و اوز و فليت افا نالت على حسنة ملايين تومان من كل حظه.

قال المسئول ملك محمدى ان هذا البرنامج قدم من قبل ويدئو كلوب جام جى في الجراش و في الكل ثلاثة آلاف تذكرة و تم بيع الواحدة منها بخمسة آلاف تومان.

کسبوکل
علی‌واری‌نرد

■ نمایندگی ایران خودرو تعطیل شد

در حالی که در این مدت اخبار بازگشایی ادارات و نمایندگی‌های مختلف در گراش به گوش می‌رسد، سرنوشت نمایندگی ایران خودرو پس از ۱۱ سال به تعطیلی انجامید.

از سال ۷۹ نمایندگی ایران خودرو گراش فعالیت خود را آغاز کرد. آقایان غلامی، پاکدل و قاسمی‌زاده مدیران این نمایندگی به دلایلی به صلاح ندانستند علت تعطیلی ایران خودرو و مشکلات موجود را اعلام کنند. حالا باید منتظر ماند تا شاید کس دیگری امتیاز این نمایندگی را بگیرد و یا باز هم مردم برای انجام امور خودرو خود به شهرهای همجوار مراجعه کنند.

■ اولین پروانه کسب گراش صادر شد

اولین پروانه کسب گراش به نام اصغر حسینی‌زاده راد صادر شد. این پروانه کسب از سوی اتحادیه مصنوعات فلزی و چوبی و با امضای حسین افشار صادر شده است. کارگاه میخ و سیم آقای حسینی‌زاده در بلوار سرداران روبه‌روی سینما قرار دارد.

■ دو نمایندگی فروش برای تمام جنوب فارس

دو نمایندگی فروش و پخش در جنوب فارس در گراش راه افتاده‌اند. اولی، فروشگاه ارتباطات ایرسا است. اگر می‌خواهید شماره تماس شمارند باشد، می‌توانید به فروشگاه ارتباطات ایرسا مراجعه کنید. این فروشگاه تنها نمایندگی چاپ و پخش انواع کارت شارژ و فروش خط‌های دائمی اعتباری و ایرانسل رند کشور در جنوب فارس است. بنابراین می‌توانید انواع کارت شارژ مورد نظرتان را با قیمت واقعی خریداری کنید. آدرس این نمایندگی خیابان امام، روبه‌روی دبیرستان ام البنین (س) است و مدیریت آن را مهدی خوشیختی و جعفر کشوری به عهده دارند. و دومی، فروشگاه ویوا است با مدیریت مجید لطافت. این فروشگاه خدمات مربوط به فروش باتری، بلوتوث و 3Camp ویوا را منحصرأ در جنوب استان فارس به اهالی منطقه و شهرستان ارائه می‌دهد. این باتری‌ها ساخت کشور چین و دارای دو سال گارانتی‌اند که شارژ آنها برای مکالمه به مدت سه روز دوام می‌آورد. آدرس این فروشگاه روبه‌روی کوچه مخابرات است.

■ دروازه در گذر زمان

می‌گویند گذر زمان خیلی چیزها را تغییر می‌دهد. راست گفته‌اند. الان از دروازای عبور می‌کنم که تصاویری از گذشته، حال و آینده را پیش چشم‌ام می‌آورد. دروازای که شاید در حال حاضر خیلی‌ها آن را فراموش کرده‌اند و این طور که پیش می‌رود، در آینده نیز جز اسمی از آن بر روی تابلویی در ابتدای یک خیابان، کسی چیز دیگری در مورد آن نداند. همان دروازای که زمانی یکی از اصلی‌ترین راه‌های ورودی به شهر محسوب می‌شد.

یکی از قدیمی‌ترین محله‌های گراش را همه می‌شناسیم، محله‌ای با بافت قدیمی و کوچه‌های باریک و خانه‌هایی با حیاط بزرگ یا کوچک، که حوض‌هایی با طراحی دلنشین زینت‌بخش آن بودند. باید یادتان باشد که دیوارهای آن خانه‌ها عمدتاً خشت و گلی بودند، و شاید بعضی از شما قسمتی از کودکی‌تان را در آن‌جا کنار مادر بزرگ‌ها و پدربزرگ‌ها گذرانده باشید و اگر کسی بود که از آنها حفاظت کند، الان قسمتی از میراث فرهنگی ما محسوب می‌شدند. حالا در سال ۱۳۹۰، از آن محله چند کوچه‌ی خاکی و خانه‌های نیمه فرو ریخته باقی مانده که باعث به وجود آمدن گرد و غبار در سطح آن شده، و ساختمان‌های نیمه‌تمام به همراه مصالح آن که جلوی رفت و آمد مانده و گرفته است، همه این‌ها نشانه‌ای است از یک پروژه‌ی نیمه‌تمام.

■ چه کسی عقب‌نشینی خواهد کرد؟

اینجا قرار است روزی پر از رفت و آمد شود، محلی برای گذر وسایل نقلیه‌ای با ظرفیت بیش از ظرفیت کنونی خیابان امام که خیلی وقت است ماشین‌ها و موتورها در آن برای تردد جا کم دارند، و گواه آن ترافیک‌هایی است که بیشتر در اواسط روز و اواخر غروب می‌بینیم. طبق گفته‌ی علی دیباجی، رئیس هیئت امنا مسجد صاحب الزمان، بیش از ده سال پیش پروژه خیابان دروازه در زمان شهرداری ابراهیم مهروری مطرح شد و از آن موقع، جلسات و اقدامات اولیه انجام شده، مهم‌ترین آن اقدامات، راضی کردن

ساکنین محل برای عقب‌نشینی بود. بعضی از آن‌ها قسمتی از خانه‌هایشان و عده‌ای دیگر کل خانه‌هایشان در طرح قرار داشت. این پروژه با تخریب پاساژ مسجد صاحب الزمان (عج) کلید خورد، اما به دلیل مشکلاتی که وجود دارد، هنوز در مراحل اولیه خود باقی مانده و پیشرفت چندانی نداشته است. دیباجی با تأکید بر مزایایی که این طرح برای شهر به همراه دارد و بیان مشکلاتی که در حال حاضر برای افراد ساکن در این محله وجود دارد، به لزوم تسریع بخشیدن به طرح اشاره کرد و امیدوار بود شهرداری و شورا بیشتر به این موضوع اهمیت دهند.

«شورا وظیفه‌ی هماهنگی بین شهروندان و شهرداری را بر عهده دارد.» این صحبت عبدالعلی صلاحی، یکی از اعضای شورای شهر است. او از مردم تقاضا داشت که با شهرداری بیشتر مشارکت داشته باشند تا مسائل به صورت ریش‌سفیدی حل شود، در غیر این صورت اگر از طریق قانونی اقدام کنند به ضرر آنها تمام خواهد شد. او می‌گوید در چند ماه اخیر، چند نفر از شهروندان به خاطر عدم همکاری به سه دادگاه احضار شده‌اند. خانه این افراد به صورت توافقی بیست و پنج میلیون تومان ارزش‌گذاری شده بود، اما از طریق دادگاه و کارشناسان، دوازده میلیون قیمت اصلی تعیین شد. در این صورت امکان هیچ نوع اعتراضی هم وجود نخواهد داشت.»

■ چه کسی باید پا جلو بگذارد؟

اولین کسانی که به محض وارد شدن به محله دیدم، پسر پچهای سوار بر سه‌چرخه به همراه دو دوست دیگرش بود که پشت سر او می‌دویدند و جای پای‌شان روی خاک‌های تلنبار شده پروژه مشکلی ندارم.» دیدنی بود. زنی که از کوچه رد می‌شد و حسایی چادرش خاکی بود، از نبود امنیت شکایت داشت و می‌گفت غریبه‌هایی را می‌بیند که در خانه‌های نیمه خراب پرسه می‌زنند و این موضوع او را نگران می‌کند. جلوتر که رفتم، به بقالی کوچکی رسیدم و با صاحب آن، حسن ابول‌ژاده، صحبت کردم. تمام مغازه و بیشتر خانه‌ی او در طرح قرار داشت. او یکی از کسانی است که با شهرداری همکاری ندارد و دلیل‌اش را هم این‌طور بیان می‌کند که کارشناسی که خانه‌ی او را دیده، به ازای خراب شدن خانه و مغازه‌اش فقط سیزده میلیون تومان در نظر گرفته است، و این مقدار پول را با توجه به نداشتن پشتوانه‌ی مالی برای تخلیه‌ی مغازه و خراب کردن خانه‌اش عمرانی نمی‌داند. از او پرسیدم برای رفع مشکل‌اش به شهرداری مراجعه کرده است؟ گفت: «هر وقت نامه‌ای برایمان می‌آمد شرکت می‌کردم. ولی رانندازی این پروژه تشرک کرد. پس از او، رییس اداره بنیاد مسکن نیز درباره طرح‌های این اداره توضیحاتی ارائه داد، و او نیز از حمایت ویژه فرماندار تشکر کرد. دکتر فحی، رییس شورای اسلامی شهر گراش، سعی نمود برخی اتهامات و ابهاماتی را که در مورد عمل‌کرد شورا به وجود آمده بود برطرف کند. او نیز توضیحاتی در خصوص طرح و نحوه‌ی اجرای پروژه بودجه‌ی گلزار شهدا ارائه داد و اظهار کرد تصمیم شورا مبنی بر مسقف نکردن قبور شهدا، بر اساس طرح کشوری بنیاد شهید بوده است. او در مورد سؤالی که در خصوص محدوده



یک روز در خیابان دروازه- [محمدامین نوبهار]

جواب داد که: «من دارم زندگی خودم را می‌کنم. شهرداری با خانه و مغازه من کار دارد. هر وقت نامه‌ای فرستادند و از من دعوت شد، می‌روم. به هر حال اگر آنها بتوانند در زمینه شغل و داشتن سرپناهی برای زندگی به من کمک کنند، من برای اجرای پروژه مشکلی ندارم.»

حسنعلی حسن‌شمس، مسئول واحد حقوقی شهرداری، در راستای سخنان عبدالعلی صلاحی گفت: «به مردم حق می‌دهیم که به خاطر مسائلی که دارند، از جمله نوساز بودن خانه‌ها یا نداشتن پشتوانه مالی، برای همکاری با ما زیاد راضی نباشند و ما نیز تا آن‌جا که امکان دارد سعی می‌کنیم مسائل را به صورت توافقی حل و فصل کنیم. چون از راه قانونی وارد شدن، هم وقت زیادی می‌برد و هم باعث بروز مشکلات دیگری می‌شود. اما در صورت به نتیجه نرسیدن، با استناد به قانون ابنیه و املاک، پرونده را به دادگستری ارجاع می‌دهیم و قانونی عمل خواهیم کرد.»

■ چند وقت دیگر؟

آقای شبانی که خانه‌ی او نیز در طرح قرار داشت گفت: «من برای خراب شدن خانه‌ام مشکلی ندارم اما تا زمانی که خانه‌های قبل از خانه‌ی من دست‌نخورده‌اند، حاضر نیستم از خانه‌ام را خراب کنم.» و ادامه داد که خودش مدتی برای راضی کردن اهالی با شهرداری همکاری داشته، اما عقیده داشت با این روند کند

شورای اسلامی شهر گراش:

نمی‌توانیم تمام بودجه طرح بهسازی گلزار شهدا را تامین کنیم

تاخیر در طرح بهسازی گلزار شهدا انتقادهایی را در مورد کم توجهی شورا به مسائل مذهبی در پی داشته است؛ اما شورای شهر می‌گوید مشکل در بودجه است.

قرار است محوطه قبور شهدا در گلزار شهدا و گلزار شهدای برق‌روز بازسازی و مسقف شود. نقشه‌ای برای گلزار شهدا کشیده شده و برای بنیاد شهید استان ارسال و منتظر تأیید آن مرکز مانده است. شورای شهر در این رابطه می‌گوید این طرح از زمان بخشداری آقای مهروری مطرح شده و به پیشنهاد شورای شهر نقشه و هزینه‌ای برای این کار فراهم شد و بودجه‌ای هم تأمین شد.

تاکنون کار به جایی نرسیده تا این که این اواخر طرح پیشنهادی به پیشنهاد فرمانداری و بنیاد شهید گسترش یافته و نقشه دیگری برای ساختمان کاملتری فراهم شده است. قانندی شهردار گراش در جلسه تأمین بودجه مورد نیاز این طرح است. اگر بودجه این کار فراهم شود هیچ مشکلی برای اجرای آن وجود ندارد.» تاکنون حدود ۱۶۰ میلیون تومان از مراکز مختلف برای این امر جمع‌آوری شده است ولی میلی که برای به سرانجام رسیدن طرح مسقف کردن گلزار تخمین زده می‌شود بیش از ۶۰۰ میلیون تومان است.

مهندس قانندی درباره دیدگاه شهرداری و شورا در قبال شهدا گفت: کار ما برای حفظ آبروی شهدا است. اسم شهدا با حفظ آبروی شهدا فرق دارد. سعی ما بر این است که کاری کنیم که آبروی شهدا حفظ شود. نه اینکه کار خودمان را بکنیم و دلمان خوش باشد که نام شهدا را آورده‌ایم. مهندس هرمزی درباره روند پیگیری این کار گفت: با پیگیری شورای شهر، ۹ جلسه در این خصوص گرفته شده که با حضور مسئولین شهرداری، فرمانداری، خانواده شهدا، بنیاد شهید و هیئت امنا گلزار شهدا بوده که بر اساس طرح اولیه قرار بود نیمی از هزینه اجرا را شهرداری پرداخت کند. محمد صادق زاهدی رئیس بنیاد شهید گراش ترجیح می‌داد تا زمانی که نتیجه تأیید نقشه و بر آورد هزینه این طرح از طرف بنیاد شهید استان تسویه نظری ندهد. به این خاطر صحبت‌های کامل‌تر و نتیجه نهایی ممکن است تا پانزدهم آبان اعلام شود. اعضای هیات امنای گلزار شهدا نیز صحبت در مورد این موضوع را در این زمان مناسب ندانستند.

یک شب پر از سوال

در جلسه دفتر امام جمعه چه گذشت؟

زودی اجرا خواهد شد. خواست‌خدایی از مردم و مسئولین خواست که با توجه به نزدیک شدن به موسم انتخابات و همچنین فصل سرشماری نفوس و مسکن، همدلی خود را حفظ کنند. پس از فرماندار، مهندس هادی‌پور، نماینده شهرک صنعتی گراش، از تمام شدن لوله‌گشی گاز به این شهرک خبر داد و از حمایت ویژه فرماندار در رانندازی این پروژه تشکر کرد. پس از او، رییس اداره بنیاد مسکن نیز درباره طرح‌های این اداره توضیحاتی ارائه داد، و او نیز از حمایت ویژه فرماندار تشکر کرد. دکتر فحی، رییس شورای اسلامی شهر گراش، سعی نمود برخی اتهامات و ابهاماتی را که در مورد عمل‌کرد شورا به وجود آمده بود برطرف کند. او نیز توضیحاتی در خصوص طرح و نحوه‌ی اجرای پروژه بودجه‌ی گلزار شهدا ارائه داد و اظهار کرد تصمیم شورا مبنی بر مسقف نکردن قبور شهدا، بر اساس طرح کشوری بنیاد شهید بوده است. او در مورد سؤالی که در خصوص محدوده



یک شب در دفتر امام جمعه گراش- [عسک، سیدعلی مجلسی]

کامران شماره پنجم آبان ۱۳۹۰

شما
پیام‌حمایت
۰۹۳۷۴۱۰۶۰۰

یادداشت
یادداشت

علیرضا حسن‌نژاد: تا به حال به این فکر کردید که چرا توی شهرمان (مرکز شهرستان) یک چراغ راهنمایی نداریم؟ برای دلخوشی هم که بگوییم یک چراغ راهنما به ما چشمک زد هم چراغ نداریم. باز فکرساخت و ساز حسینیّه و مصلا می‌کنند. ۶۸۲---۰۹۳۶۷: از شهرداری تشکر می‌کنیم و خواهشمندم که درختهای سر بلوار را کوتاه کنند. خطر‌ساز است. همچنین از نیروی انتظامی خواهشمندم با ماشینپهانی که سر تقاطع پارک شده‌اند حتی اگر در وسط شهر نباشد برخورد جدی داشته باشند.

یک شهروند: اگر قصد عبور از بلوار معلم به سمت حوزه خواهران را داشتید:

۱. شبیه‌روشنایی مسیر را باید خودتان تأمین کنید.

۲. از پیچ سبذ و شصت درجه به سلامت عبور کنید.

۳.مواظب پل روی جدول که از سرتنگیر بدتر است باشید.

زاهدی: خیابان کمربندی نیازمند چند پل هوایی است. الان دیگر کلی از جمعیت گراش ساکن شهر‌ک‌ها هستند و تردد خیلی زیاد شده است. موتور و ماشین‌ها در کمربندی یک سرعت های زیاد تردد می‌کنند و همیشه هم شاهد تصادف هستیم! البته قبلاً به عرض یکی دو نفر از اعضای شورای شهر رساندم ولی خواستند کتبی با امضای همشهریان باشد!

اسدی: مجوز مرکز پلیس ۱۰+ چه شد؟ چرا باید برای همه کار‌های‌ما به لار برویم؟

عبدالرضان: یعنی مسئولین این‌قدر همت ندارند که یک پلیس ۱۰+ برای گراش بیاورند. پیگیری ایستگاه هواشناسی هم فراموش نشود.

۰۰۹---۰۹۳۹۳: از مسئولین خواهشمند است هر چه سریع‌تر نسبت به راه‌اندازی مرکز تعویض

پلاک موتورسیکلت و پلیس ۱۰+ اقدام کنند. با توجه به فراوانی موتورسیکلت و سخت‌گیری‌های زیاد نیروی انتظامی، علاقه‌انه نیست جوانان شهر هر روز در جاده هرخطر لار تردد کنند. **محمد**: بیشتر از ده سال است که بریدی‌گی بلوار سرداران در بین خیابان دانشگاه و بلوار سرداران به دلیل تخلفات زیاد بسته شده است و جای آن بلوک سیمانی گذاشته‌اند. نباید تکلیف این بریدی‌گی مشخص شود یا این که بریدی‌گی باز شود و یا این که شهرداری این قسمت را به بلوار تبدیل کند تا چهره شهر تخریب نشود.

۷۹۴---۰۹۳۶۵: لطفاً از امامزاده شاهزاده قاسم (نوه شاه‌چراغ) که جنب چاه گلابی (استوار) است و واقعاً جای باصفایی است گزارشی تهیه کنید. هر هفته جمعیت زیادی از مردم گراشی و غیر گراشی به آنجا می‌روند.

۳۱۲---۰۹۱۷۱: انشالله برای نوروز خرید کنید به مشتری فاکتور را ملزم کنید به مشتری فاکتور نیست؟!

سوالی که از مسئولین داریم این است که مگر در هر سال مالی برای هر رشته ورزشی بودجه‌ای در نظر گرفته نمی‌شود؟ هر زمان که پرسیده‌ایم گفته‌اند که بودجه‌ای نیست آیا در این مدت ۸ یا ۹ سال فعالیت واقعاً بودجه‌ای نبوده یا بعضی‌ها نخواستند که برای شطرنج بودجه‌ای باشند و پیشرفتی کند؟ در این سال‌ها خیلی‌ها وعده و وعیده‌های گوناگون داده‌اند. باید دید که آیا توانسته‌اند درصدی از آن را اجرا کنند یا نه؟ بهتر است تعارف را بگذاریم کنار ، دیگر از این وعده و وعیده‌ای که هیچ کس به آن عمل نمی‌کنند خسته شدیم. نگاه کوتاهی به نریشه ورزشی نیمسال

از مهم‌ترین کاربری‌های شهری، حمل و نقل است. یکی از اجزا و فعالیت‌های این کاربری، پایانه مسافربری است، اگر مراکز تجاری قلب تپنده شهر هستند، پایانه‌های مسافربری مرکز نقل شریان‌های حیاتی شهر در ارتباط با مناطق بیرونی محسوب می‌شوند، در طی مراحل رشد، شهرها به جایی می‌رسند که احداث پایانه مسافربری ضرورتی غیر قابل انکار است. پایانه مسافربری شاهد گراش نیز بنا به ضرورت و با تلاش یکی از همشهریان سال‌هاست که احداث شده است.

هدف از این نوشتار بررسی دلایل کم‌روفتی پایانه شاهد علی‌رغم دارا بودن ساختمان، فضا و مکان مناسب است و بحث در مورد این که چرا چنین پایانه‌ای توانسته نقش خود را در سطح شهر و منطقه به نحو احسن ایفا نماید.

■ **آغاز پایانه**

آقای نادرپور مؤسس و مدیر پایانه شاهد، این پایانه را حاصل ۲۳ سال فعالیت و تجربه خود می‌داند؛ که ایده اولیه آن از راز زمان جنگ تحمیلی و به جهت مشکلات موجود درتحرك نیروهای خودی و ضعف سیستم حمل و نقل درآن بازه حساس در ذهن داشته و برورانده و بنا به مقتضیات شهر و منطقه مدّت‌ها بعد آن را در قالب یک پایانه مسافربری در شهرمان گراش به منصه ظهور رسانیده است. تلاش ایشان برای اخذ مجوز خود داستانی مفضل دارد. کارشکنی‌ها و تهدیدها از سویی و در اختیار نهادن زمین مجانی در جایی دیگر برای احداث چنین تاسیساتی خود جای بسی تامل دارد، که به نوعی سیاست چماق و هوپج را در ذهن تداعی می‌کند (البته ذکر این نکته ضروری است که چنین برخوردها و سیاست‌هایی از جانب مسئولین وقت شهرمان نبوده است). به گفته آقای نادرپور پایانه مسافربری شاهد تا به امروز تنها پایانه رسمی سطح منطقه است که مجوز آن از جانب سازمان حمل و نقل و پایانه‌های استان فارس صادر گردیده است.

جناب مستطاب آقای محمدعلی شاحمدی سرپرست نمایندگی محله مبارکه «حمایت» خدمت جنابعالی و سایر همکارانتان سلام و عرض ادب دارم. امیدوارم پیوسته و مدام موفق و موید شاد و خرم باشید. و اما بعد. گر چه روزگاری از عمرمان گذشته و از نظر قلم‌فرسایی و انشا و املا و نگاشتن عبارت به گرد خاک یک مهتران و سوارکاران صاحب قلم امروزه نمی‌رسیم، ولی به قدر خالی نبودن عریضه شمه‌ای از بعضی خاطرات روزگاران گذشته متذکر می‌شوم که شاید اگر صلاح و مصلحت باشد از نخبگان و خدمتگزاران پیشین شهر گراش، نه که غریبه بلکه آشنایان و پیشتازان موسس آبادانی شهر گراش، برای اینکه از زحمات‌شان یادی کرده باشید در محله «حمایت» باشد و

■ **نام‌رسیده**

■ **نام‌رسیده**

مگر شطرنج جز رشته‌های ورزشی نیست؟! سوالی که از مسئولین داریم این است که مگر در هر سال مالی برای هر رشته ورزشی بودجه‌ای در نظر گرفته نمی‌شود؟ هر زمان که پرسیده‌ایم گفته‌اند که بودجه‌ای نیست آیا در این مدت ۸ یا ۹ سال فعالیت واقعاً بودجه‌ای نبوده یا بعضی‌ها نخواستند که برای شطرنج بودجه‌ای باشند و پیشرفتی کند؟ در این سال‌ها خیلی‌ها وعده و وعیده‌های گوناگون داده‌اند. باید دید که آیا توانسته‌اند درصدی از آن را اجرا کنند یا نه؟ بهتر است تعارف را بگذاریم کنار ، دیگر از این وعده و وعیده‌ای که هیچ کس به آن عمل نمی‌کنند خسته شدیم. نگاه کوتاهی به نریشه ورزشی نیمسال

از مهم‌ترین کاربری‌های شهری، حمل و نقل است. یکی از اجزا و فعالیت‌های این کاربری، پایانه مسافربری است، اگر مراکز تجاری قلب تپنده شهر هستند، پایانه‌های مسافربری مرکز نقل شریان‌های حیاتی شهر در ارتباط با مناطق بیرونی محسوب می‌شوند، در طی مراحل رشد، شهرها به جایی می‌رسند که احداث پایانه مسافربری ضرورتی غیر قابل انکار است. پایانه مسافربری شاهد گراش نیز بنا به ضرورت و با تلاش یکی از همشهریان سال‌هاست که احداث شده است.

هدف از این نوشتار بررسی دلایل کم‌روفتی پایانه شاهد علی‌رغم دارا بودن ساختمان، فضا و مکان مناسب است و بحث در مورد این که چرا چنین پایانه‌ای توانسته نقش خود را در سطح شهر و منطقه به نحو احسن ایفا نماید.

■ **دلایل کم روفتی**

کم‌روفتی پایانه شاهد دلایل متعددی دارد که در سطوح مختلف قابل بررسی است.
۱. عدم تمایل از راز زمان جنگ تحمیلی و به جهت مشکلات موجود درتحرك نیروهای خودی و ضعف سیستم حمل و نقل درآن بازه حساس در ذهن داشته و برورانده و بنا به مقتضیات شهر و منطقه مدّت‌ها بعد آن را در قالب یک پایانه مسافربری در شهرمان گراش به منصه ظهور رسانیده است. تلاش ایشان برای اخذ مجوز خود داستانی مفضل دارد. کارشکنی‌ها و تهدیدها از سویی و در اختیار نهادن زمین مجانی در جایی دیگر برای احداث چنین تاسیساتی خود جای بسی تامل دارد، که به نوعی سیاست چماق و هوپج را در ذهن تداعی می‌کند (البته ذکر این نکته ضروری است که چنین برخوردها و سیاست‌هایی از جانب مسئولین وقت شهرمان نبوده است). به گفته آقای نادرپور پایانه مسافربری شاهد تا به امروز تنها پایانه رسمی سطح منطقه است که مجوز آن از جانب سازمان حمل و نقل و پایانه‌های استان فارس صادر گردیده است.

۱. عدم تمایل از راز زمان جنگ تحمیلی و به جهت مشکلات موجود درتحرك نیروهای خودی و ضعف سیستم حمل و نقل درآن بازه حساس در ذهن داشته و برورانده و بنا به مقتضیات شهر و منطقه مدّت‌ها بعد آن را در قالب یک پایانه مسافربری در شهرمان گراش به منصه ظهور رسانیده است. تلاش ایشان برای اخذ مجوز خود داستانی مفضل دارد. کارشکنی‌ها و تهدیدها از سویی و در اختیار نهادن زمین مجانی در جایی دیگر برای احداث چنین تاسیساتی خود جای بسی تامل دارد، که به نوعی سیاست چماق و هوپج را در ذهن تداعی می‌کند (البته ذکر این نکته ضروری است که چنین برخوردها و سیاست‌هایی از جانب مسئولین وقت شهرمان نبوده است). به گفته آقای نادرپور پایانه مسافربری شاهد تا به امروز تنها پایانه رسمی سطح منطقه است که مجوز آن از جانب سازمان حمل و نقل و پایانه‌های استان فارس صادر گردیده است.

۱. عدم تمایل از راز زمان جنگ تحمیلی و به جهت مشکلات موجود درتحرك نیروهای خودی و ضعف سیستم حمل و نقل درآن بازه حساس در ذهن داشته و برورانده و بنا به مقتضیات شهر و منطقه مدّت‌ها بعد آن را در قالب یک پایانه مسافربری در شهرمان گراش به منصه ظهور رسانیده است. تلاش ایشان برای اخذ مجوز خود داستانی مفضل دارد. کارشکنی‌ها و تهدیدها از سویی و در اختیار نهادن زمین مجانی در جایی دیگر برای احداث چنین تاسیساتی خود جای بسی تامل دارد، که به نوعی سیاست چماق و هوپج را در ذهن تداعی می‌کند (البته ذکر این نکته ضروری است که چنین برخوردها و سیاست‌هایی از جانب مسئولین وقت شهرمان نبوده است). به گفته آقای نادرپور پایانه مسافربری شاهد تا به امروز تنها پایانه رسمی سطح منطقه است که مجوز آن از جانب سازمان حمل و نقل و پایانه‌های استان فارس صادر گردیده است.

۱. عدم تمایل از راز زمان جنگ تحمیلی و به جهت مشکلات موجود درتحرك نیروهای خودی و ضعف سیستم حمل و نقل درآن بازه حساس در ذهن داشته و برورانده و بنا به مقتضیات شهر و منطقه مدّت‌ها بعد آن را در قالب یک پایانه مسافربری در شهرمان گراش به منصه ظهور رسانیده است. تلاش ایشان برای اخذ مجوز خود داستانی مفضل دارد. کارشکنی‌ها و تهدیدها از سویی و در اختیار نهادن زمین مجانی در جایی دیگر برای احداث چنین تاسیساتی خود جای بسی تامل دارد، که به نوعی سیاست چماق و هوپج را در ذهن تداعی می‌کند (البته ذکر این نکته ضروری است که چنین برخوردها و سیاست‌هایی از جانب مسئولین وقت شهرمان نبوده است). به گفته آقای نادرپور پایانه مسافربری شاهد تا به امروز تنها پایانه رسمی سطح منطقه است که مجوز آن از جانب سازمان حمل و نقل و پایانه‌های استان فارس صادر گردیده است.

۱. عدم تمایل از راز زمان جنگ تحمیلی و به جهت مشکلات موجود درتحرك نیروهای خودی و ضعف سیستم حمل و نقل درآن بازه حساس در ذهن داشته و برورانده و بنا به مقتضیات شهر و منطقه مدّت‌ها بعد آن را در قالب یک پایانه مسافربری در شهرمان گراش به منصه ظهور رسانیده است. تلاش ایشان برای اخذ مجوز خود داستانی مفضل دارد. کارشکنی‌ها و تهدیدها از سویی و در اختیار نهادن زمین مجانی در جایی دیگر برای احداث چنین تاسیساتی خود جای بسی تامل دارد، که به نوعی سیاست چماق و هوپج را در ذهن تداعی می‌کند (البته ذکر این نکته ضروری است که چنین برخوردها و سیاست‌هایی از جانب مسئولین وقت شهرمان نبوده است). به گفته آقای نادرپور پایانه مسافربری شاهد تا به امروز تنها پایانه رسمی سطح منطقه است که مجوز آن از جانب سازمان حمل و نقل و پایانه‌های استان فارس صادر گردیده است.

۱. عدم تمایل از راز زمان جنگ تحمیلی و به جهت مشکلات موجود درتحرك نیروهای خودی و ضعف سیستم حمل و نقل درآن بازه حساس در ذهن داشته و برورانده و بنا به مقتضیات شهر و منطقه مدّت‌ها بعد آن را در قالب یک پایانه مسافربری در شهرمان گراش به منصه ظهور رسانیده است. تلاش ایشان برای اخذ مجوز خود داستانی مفضل دارد. کارشکنی‌ها و تهدیدها از سویی و در اختیار نهادن زمین مجانی در جایی دیگر برای احداث چنین تاسیساتی خود جای بسی تامل دارد، که به نوعی سیاست چماق و هوپج را در ذهن تداعی می‌کند (البته ذکر این نکته ضروری است که چنین برخوردها و سیاست‌هایی از جانب مسئولین وقت شهرمان نبوده است). به گفته آقای نادرپور پایانه مسافربری شاهد تا به امروز تنها پایانه رسمی سطح منطقه است که مجوز آن از جانب سازمان حمل و نقل و پایانه‌های استان فارس صادر گردیده است.

۱. عدم تمایل از راز زمان جنگ تحمیلی و به جهت مشکلات موجود درتحرك نیروهای خودی و ضعف سیستم حمل و نقل درآن بازه حساس در ذهن داشته و برورانده و بنا به مقتضیات شهر و منطقه مدّت‌ها بعد آن را در قالب یک پایانه مسافربری در شهرمان گراش به منصه ظهور رسانیده است. تلاش ایشان برای اخذ مجوز خود داستانی مفضل دارد. کارشکنی‌ها و تهدیدها از سویی و در اختیار نهادن زمین مجانی در جایی دیگر برای احداث چنین تاسیساتی خود جای بسی تامل دارد، که به نوعی سیاست چماق و هوپج را در ذهن تداعی می‌کند (البته ذکر این نکته ضروری است که چنین برخوردها و سیاست‌هایی از جانب مسئولین وقت شهرمان نبوده است). به گفته آقای نادرپور پایانه مسافربری شاهد تا به امروز تنها پایانه رسمی سطح منطقه است که مجوز آن از جانب سازمان حمل و نقل و پایانه‌های استان فارس صادر گردیده است.

دوم ۸۹ انداخته‌اید؟ در قسمت شطرنج آن قید شده که مدیریت مجموعه فرهنگی انبشار اندیشه خبری در خصوص اختصاص و تجهیز محلی مناسب برای فعالیت علاقه‌مندان به شطرنج داده، پس کجاست؟! و برگزاری مسابقه شطرنج در سطح منطقه آن هم در سالروز ولادت حضرت زهرا (س) ویا برگزاری کلاس آموزش شطرنج ، باز در سالن آبشار اندیشه، این یک سری از برنامه‌ها فقط اختصاص به بانوان داشت در صورتی که هیچ‌کدام از این برنامه‌ها اجرا نشده!

یا به گفته جناب آقای اکبری ریاست محترم تربیت‌بدنی باز در این نشریه که سرانه فضاهای ورزشی ۵ متر مربع می‌باشد پس چرا مکانی را برای فعالیت رشته شطرنج در نظر گرفته



فاضلاب دو پانده در فیثور



گفت‌و‌آ‌ب برای آ‌تش‌نشانی [س‌را‌ج‌ی]



اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]



اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

اتوبوس دو چرخ [عباسی- داوری‌ف‌ر‌د]

ند حق دارند پیش از انتخاب سربک زندگی قبل از ازدواج در واقع تلاشی برای شرع به هم خوردن این عقده‌ها و نامزدی‌ها هما ای جوانان‌هایی که این تجربه تلخ را از سبجی به سنت‌ها متهم می‌کنند اما جوان



■ **شهید محمد ابراهیم امیدوار**
از سربازی که می‌آمد، خواهر لباس‌هایش را می‌شست و اتو می‌کرد. کفش‌هایش را هم پارچه می‌کشید و تمیز می‌کرد و بعد از تمام این‌ها منتظر اخم کردن محمد ابراهیم بود. چون با اخلاق برادرش خیلی خوب آشنا بود و می‌دانست که هیچ وقت پیدا شده بود. با اشاره حرف می‌زد و محمد ابراهیم راضی نمی‌شود کارهای شخصی‌اش را دیگران انجام دهند.

■ **شهید ابراهیم برزگران**
او تا می‌توانست در جلسات گروه‌های انقلابی و مبارز شرکت می‌کرد و یا این جلسات را در منزل پدرش تشکیل می‌داد. به نحوی که برادرش موسی نیز که نوجوانی بیش نبود، القای مبارزه و مجاهدت در راه خدا را آموخت و به یک مبارز تبدیل شد.

■ **شهید احمد خدادادی**
همیشه می‌گفت: مادر خیلی دوست دارم ریش در بیاورم، چرا ریش در نمی‌آورم؟ جواب می‌دادم: پسر تو هنوز بچه‌ای. صبر کن بزرگ بشوی، ریش هم در می‌آوری. می‌گفت: مادرا! من بچه نیستم دارم می‌روم جنگ، با دشمن بجنگم. بزرگ شده‌ام. وقتی به شهادت رسید جسدش را که آوردند، رفته بالای سرش دیدم ریش در آورده. پسرم بزرگ بود.



عکس‌ها از عبداله سراجی

در جنگ پخته شدید

این مصاحبه اگر چه از نوع حرف شنیدن بود ولی برایم راحت بود، زیرا درک می‌کرد و فرصت برای نوشتن هم به من می‌داد. فضای آرام و آماده مصاحبه در یک شب پاییزی نیز باعث می‌شد با آرامش، مهمان خاطرات و حوادث زمان جنگ باشم.

سید مصطفی معصومی، فرزند سید محمدصادق، نوه سید عبدالرسول است که روحانی بود و مورد احترام مردم آن زمان، چرا که در آن زمان مردم برای حل اختلاف‌شان نزد ایشان می‌رفتند و البته هرچه می‌گفت نیز می‌پذیرفتند. سید مصطفی متأهل و دارای یک فرزند دختر و دو فرزند پسر است. سید مصطفی جانباز ۲۵ درصدی است که از نواحی پیشانی، سینه، دو دست و دو پا (بیشتر زانو)، ران و پشت مجروح شده است و هنوز ترکش‌ها را در پای چپ و سینه و دست‌ها به یادگار دارد. از نحوه مجروحیت‌اش این‌گونه گفت: «۶۵/۴/۲۰ بعد از عملیات والفجر ۸ که منجر به آزاد سازی فاو شد، پشت پادفند موشکی کنار جاده‌ی در حال احداث مشغول به استراحت بودم که بر اثر اصابت توپ و موج حاصل از آن نقش بر زمین شدم. بعد از لحظاتی، می‌خواستم بلند شوم که نتوانستم. با دیدن خونی که از من می‌آمد فهمیدم مجروح شده‌ام. بلافاصله به بیمارستان صحرایی فاطمه‌الزهرا (س) منتقل شدم و سرپایی مداوا شدم و بعد از آن در بیمارستان شهید بقایای احوال تحت عمل جراحی قرار گرفتم و بعد از چند روز با هواپیمای باربری به بیمارستان شهید شریعتی تهران منتقل شدم. به مدت دو ماه تحت درمان بودم و دوران نقاهت نهایی را در کنار خانواده و در گراش طی کردم.»

وی با سابقه‌ی بیش از هشت ماه در حین خدمت سربازی و دو ماه و نیم به عنوان نیروی بسیجی در عملیات‌های والفجر ۸ و کربلای یک شرکت کرده است و به عنوان نیروی ناو تیپ ۱۴ کوثر پشتیبانی پدافندی در جبهه‌ها فعالیت می‌کرده است. او هم‌رزم شهید خلیل رامیارپور، حسین افشار، رضا شیروان، عباس ارغوان، عباس زارعی، عباس وفارقد، مرتضی گراشی، حیدر قاسمی، قاسم امین، احمد درویشی، محمد باقرزاده و ... بوده است. گفتیم «این همه عباس اشتباه‌تان نمی‌شد؟» خنده‌ای کرد و گفت: «ها چون همه عباس‌ها یک اسم مستعار داشتند. مثلاً به عباس زارعی می‌گفتیم: عباس شریف.»

از اینجا بود که احساس کردم مصاحبه شروع شد. یک آهی کشید و گفت: «مام خمینی گفتند: جبهه دانشگاه بود، راست هم می‌گفت. چون جبهه همه چیز داشت، ایمان، تلاش، پیروزی، شکست، خودباوری، شناخت، تجربه. خلاصه‌اش کنم که در جبهه پخته



شدیم. ما آن موقع جوان بودیم و وقتی که در کنار باتجربه‌ها قرار می‌گرفتم، کارها درست پیش می‌رفت. گفتیم: «از هم‌زمان‌ات بگو، با کدام‌شان ارتباط داری؟» گفت: «گروه ذوالفقاری که در گراش معروف بود، الان شده

گروه ذوالفقار» و توضیح داد که به خاطر کار و مشغله زندگی رابطهای با هیچ کدام‌شان ندارد و اگر هم یکدیگر را دیدیم رابطهمان فقط در حد سلام و علیک است.

پرسیدم کارش چیست و آیا از آن راضی است. گفت «تایم اوت!» و جایی ریخت و میوه هم تعارف کرد. ولی همچنان حرف می‌زد و ما هم می‌شنیدیم. گفت: «اینها را که می‌گویم ننویس! ها! حدود ۲۸ سال سابقه کار در خارج از کشور دارم و از سال ۸۴ نیز روی ماشین کار می‌کنم. اینطور راحت‌ترم. خودم آقای خودم هستم. به خاطر این که توان انجام کارهای بدنی را به صورت تمام وقت ندارم، تصمیم گرفتم خودم باشم و خودم، تا هم حق دیگران ضایع نشود و هم زندگی من بچرخد. هر چند الان هم خیلی سخت می‌چرخد. نه این که کار نیست، کار هست، ولی من مثل بعضی‌ها نیستم که بدون حساب و کتاب حاضرند هر کاری انجام بدهند و هر جایی را به هر قیمتی بروند. چون من حساب و کتاب می‌کنم، هر جایی را نمی‌روم. بیشتر اوقات ماشین‌ام ایستاده است.» گفتیم: «برای کار دولتی جایی نرفته‌ای؟» گفت: «مشکل من این بود که دنبال کارهای دولتی نرفتم و الان هم به خاطر شرایط سنی قبول نمی‌کنند. رفتم‌ام ولی به خاطر همین شرایط سنی قبول‌مان نکردند.»

گفتیم: «فرزندانت از می‌دانند که جانبازی؟» گفت: «اره، ولی چون کوچک هستند هنوز به آن درک نرسیده‌اند که احساسی داشته باشند.»

چندین خاطره را برایم تعریف کرد. نحوه تعریف کردن‌اش نیز جالب بود. از هر چه دم دست‌اش بود استفاده می‌کرد که تعریف‌اش برایم ملموس‌تر شود. این خاطره را با استفاده از بشقاب میوه و چاقوهایی که در آن گذاشته بود تعریف کرد.

«یک روز در سنگر نشسته بودیم که یک گلوله توپ فرانسوی به زاغه انبار مهمات برخورد کرد! اینجا یک بشقاب پر از چاقو به عنوان زاغه مهمات جلوی‌ش گذاشته بود، و دست‌اش را به عنوان گلوله به طرف آن می‌برد! که تر کشی از آن به یکی از موشک‌های کاتیوشا خورد و باعث شد تمام خرج‌های دیگر نیز فعال شوند و موشک‌های کاتیوشا بود که هر کدام به یک طرف رفتند! اینجا چاقوها را به عنوان موشک کاتیوشا از بشقاب به این طرف و آن طرف پخش کرد! و کاری هم از دست ما ساخته نبود. در همین هنگام بود که دو هواپیمای دشمن برای بمباران آمدند. به قدرت خدا، یکی از موشک‌های کاتیوشا به طور اتفاقی به طرف یکی از هواپیماهای دشمن رفت و باعث دستیابی‌گی خلبان آن هواپیما شد و همین دستیابی‌گی باعث شد که دو هواپیمای دشمن در هوا به هم برخورد کنند و منفجر شوند.»

یک ماه قبل از اتفاق دبی بودم. تازه برگشته بودم ایران. همسرم هنوز دبی بود. یک هفته قبل از آن اتفاق، سردردهای شدیدی داشتم و میل به غذا نداشتم. همه‌ی این‌ها وقتی بیشتر نگرانم می‌کرد که سه‌ماهه باردار بودم. وقتی رفتم دکتر، به خاطر اینکه باردار بودم، سفرم را به دبی پنهان کردم. دو روز قبل از اتفاق، تقریباً دیگر دید نداشتم. چشم پزشک تشخیص نداد و گفت بعد از زایمان مراجعه کنم.

روز اتفاق و گُمای چهل و هشت ساعته

خرداد سال هشتاد و هشت بود. ساعت دوازده و نیم ظهر. رفتم برای وضو گرفتن. یک دفعه یک لرزه در سر و بدنم افتاد. حال خودم را نمی‌دانستم. پس از لحظاتی سرگیجه، افتادم و دو تا برادرهایم به کمک‌ام آمدند. تا وقتی مرا به اتاق بردند، فهمیدم و بعد از آن دیگر چیزی نفهمیدم. پدر و مادرم با قطار قصد سفر به مشهد را داشتند و با این اتفاق، سفرشان منحل شد. چند ساعت در بیمارستان گراش بستری بودم و دکترها نتوانستند بیماری را تشخیص دهند. در بیمارستان لار، نوار مغزی لخته‌ی خون نشان داد اما نتیجه‌ی ام آر آی، آن را تکذیب کرد. هنوز در حالت تشنج بودم و به همین خاطر به سلامتی و برگشتن‌ام به زندگی امید داشتند. همه چیز موقوف شد به بیمارستان نمازی شیراز. با عمه و برادرم با آمبولانس مرا به شیراز بردند.

مادرم به خاطر پسر سه ساله‌ام عرفان، با ما نیامد. با کما و تب چهل و هشت درجه و یک جنین سه ماهه، امیدشان به زندگی من کم‌ترنگ شده بود. در

بیمارستان نمازی هم هر چه تنفس دادند، فایده‌ای نداشت و دکترها قطع امید کردند. به همسرم گفته بودند یک بیماری جزیی است و فوراً برگردد؛ اما همسرم حدس می‌زد اتفاق بدتری افتاده باشد و اضطرابی برمی‌گردد.

در گراش، اقوام و دوستان و خانواده دعا می‌کردند و خانواده‌ام به دعای مردم امید داشتند. اما انگار زندگی دوباره قسمت من نبود و خط تنفسی‌ام داشت صاف می‌شد. عرق‌به‌ها می‌ایستند. سکوت می‌شود. زندگی روی اما و اگر می‌افتد و دوشادوش مرگ قدم می‌زند. مرگ هر روز از روزنه‌های روشن زندگی سرک می‌کشد و یک روز میهمان ناخوانده می‌شود. تا دو قدمی مرگ رفته بودم. هم خودم و هم بچه‌ای که در انتظار تولد بود. اما در قلمروهایی که امیدهای انسانی خاموش می‌شوند، خدا دست زاینده‌ی زندگی، همه چیز را از نو می‌نویسد و آن وقت زندگی مثل نسیمی می‌شود که می‌وزد و از پیراهن تو عبور می‌کند. من و دخترم، از کنار پُل، برگشتیم به آبادی.

زندگی دوباره

خانواده‌ام به دلیل سردرگمی و تماس‌های مکرر اقوام و آشنایان که جوایی حال من بودند، گوشی‌های همراهشان را خاموش کرده بودند. هر کسی توانسته بود در آن دو روز به شیراز آمده بود تا دیداری تازه کنند. پدرم که خیلی پریشان و ناراحت بود، به اتاقم آمد و قبل از خداحافظی، دعا کرد و خداوند دعای پدرم را به لطف و درجه و یک جنین سه ماهه، امیدشان به زندگی من کم‌ترنگ شده بود. در

شهناز بهزادی زندگیا‌ش را مدیون دعای مردم می‌داند

زنده بودن من و دخترم معجزه است



شهناز بهزادی (عکس: راحله بهادر)

آورده بودند.

خدا دوباره خط زندگی‌ام را به جریان انداخته بود. پس از آزمایش نخاع مشخص شد این بیماری آنسفالیت است یا عفونت دور پسرده‌ی مغز، که از خانواده‌ی منتزیت است اما قوی‌تر. به شیراز آمده بود تا دیداری تازه کنند. پدرم که خیلی پریشان و ناراحت بود، به اتاقم آمد و قبل از خداحافظی، دعا کرد و خداوند دعای پدرم را به لطف و درجه و یک جنین سه ماهه، امیدشان به زندگی من کم‌ترنگ شده بود. در

چون به هوش آمدن کامل برایم خطرناک بود. نمی‌دانستم کجا هستم و چرا آن‌همه دکتر دور و برم هستند. بیست و پنج روز در بخش بستری بودم تا بیماری به طور کامل رفع شد. اولین کسی که بعد از هوشیاری کامل تشخیص دادم همسرم بود و بعد مادرم. عرفان را هم بعد از یک ماه دیدیم و به آغوش کشیدم. خدا یک زندگی دوباره به من داد اما باید برگه‌ی سقط را برای جنین سه ماهه‌ام امضا می‌کردم. به دلیل چهل و هشت

ساعت در کما بودن، دکترها احتمال دادند فرزندم ناقص به دنیا بیاید و برای همین گفتند باید سقط کنم. شوهرم هم برگه را امضا کرد. اما با مخالفت یکی از دکترهای زن که طبق برگه‌ی سونو می‌گفت بچه سالم است و نیازی به سقط نیست، از این کار منصرف شدم.

در طول آن سه ماه نه بار سونوگرافی کردم. اما سروکله‌ی یک مشکل تازه پیدا شده بود. با اشاره حرف می‌زد و این‌بار پولیپ حلق تشخیص پزشکان بود. ممکن بود جلوی تنفس‌ام را بگیرد و باعث خفگی‌ام شود. به خاطر حاملگی، عمل جراحی خطرناک بود و من با همین وضعیت، بارداری را تا هشت ماه و ده روز رساندم.

قرار شد دکتر حنجره همزمان با زایمان، جراحی پولیپ را انجام دهد. اما ریسک بالایی بود. ممکن بود با بی‌هوشی، دوباره به کما بروم.

معجزه کامل شد

در بیمارستان لار سزارین کردم و جراحی حنجره متغی شد. خدا دختری به من داد که زندگی‌اش فقط می‌توانست معجزه باشد. سالم و زیبا

و بدون هیچ نقص جسمی یا ذهنی. اقوام برای دین سلامت بچه و خودم به بیمارستان هجوم آورده بودند. بعد از زایمان، مشکل حنجره‌ام هم برطرف شد و دیگر خبری از آن نیست. هر چه بود از دعای مردم بود و پدر و مادرم. به خاطر دعای مردم که در ایام فاطمیه بود اسم دخترم را فاطمه گذاشتم.

خدا هر روز در زندگی میلیون‌ها نفر معجزه می‌کند که شاید حتی خودشان از آن بی‌خبرند.



جایزه‌ی عبدالرضا افشار

معنای نم‌ها مدیره

کوهن‌بو بزرگ تیم فوتبال گراش جوان

اوج‌گیری چند باره پیرندگان زردپوش بر آسمان فوتبال گراش
با همدلی، دانش و تلاش همه‌ی شما فراهم شد.

قهرمانی قاطعانه گراش جوان با ۱۳۹۰

در مسابقات دسته اول فوتبال گراش در سال ۱۳۹۰
شادباش می‌گوییم.

تدوام یک‌دهه موفقیت بدون برنامه‌ریزی و تلاش همگانی به دست نمی‌آید
این گونه است که ایمان داریم گراش جوان همچنان به افتخارآفرینی خود
درفوتبال گراش ادامه خواهد داد.



مریم جواد جان

انگاه شدن یک کنیزک به یک زندگیست را در ۲۷ سالگی تبریک می‌گویم و آرزو داریم زندگیت به زیبایی گلستان ابراهیم و بانگی چشمه زرم باشد.

همسرت

مریم جان

قبولیات در دانشگاه سراسری شیراز رشته کامپیوتر مایه افتخار ماست امیدوارم همیشه موفق باشی.

صانع و پایدار کارگاه محبت: محبوبه

بابا عباس

همیشه به تو افتخار می‌کنم.

قبولی دانشگاه مبارک

از طرف سنا شیان‌نژاد

فروش و ثبت نام خودروهای

تویوتا هیوندای کیاموتورز




شرکت بازرگانی بین المللی نوین تجارت فارس

تلفن: ۰۷۸۲۲۲۳۰۲۳۴-۵
فاکس: ۰۷۸۲۲۲۳۰۲۳۶

دفتر فروش: شهرستان گراش – طبقه فوقانی گراش ستر

به این دختران است. او می‌گوید: قرار باشد برای خواندن سال آخر استقامت جدا شود و به مدرسه‌ای بروم که باید کنار زن‌های سی ساله بنشینم ترجیح می‌دهم درسنامه کاره ول کنم.»

مردضا ۲۴ ساله هم این مساله را کمتر پیشتر شدن ترک تحصیل برای دختران خوب به این کار ضررهایی هم به آن دخترهایی ارفعا درس‌خوان هستند می‌زند. بد طرف عقد کرده باشد و نشان خود باشد، ولی با جدا شدن از دوستانش و فرستادنش در مدرسه بزرگ‌سال، می‌تواند باعث

۱۵ سالش نیست. به صدا در آمدن می‌شوم و این بیشتر می‌شنود. دخترم در آن دوستان‌اش نامزد و تمام نگرانی من دختربازی است. «اما مشخص نمی‌کلی که در مورد سر بسپاردهی مذهبی بخواند و پسردهی دخترانی که چندان آن‌ها گذشته حق تحصیل ادامه گارای ما را (تکلیف ما را) حرف به حرف می‌گوید. حسن

سایه‌های تاریک و سنگینی جابون و کوه سرخس صحرای خراسان را در دل و جانم می‌نویسم. این امور را بنظر کارشناسی نسبت به محاسبه تخمینی مصرف آب در این مناطق و در نظر گرفتن بارش و تبخیر و تعرق خواهد کرد، و لذا اگر در شهری شیرهای برداشت آتش نشانی را ملاحظه گردد، دلیل بر عدم پرداخت آب‌ها نیست، بلکه است به جهت محاسبه تخمینی، هزینه بیشتری نیز پرداخت خواهد کرد. در پایان مسکن عرض تشکر مجدد از دست‌اندرکاران آن نشر انجام رسالت خطیر اطلاع رسانی به شهروندان گرامی خواهانم. برابر قانون نسبت به درج این جوابیه در شماره بعدی اقدام می‌گردد.

به این شیرهای سلیقه به عنوان این است رایگان مزاده ها و پرداخت آب بها مصرفی طرح های مع گرد، ب اقدام کننتور می ممکن گرد. به خاطر است

مرمزی ۲۲ ساله، دانشجوی مهندسی شیمی از مخالفان این طرح است و گوید دلیل اجرای این طرح می‌تواند آرایش بیش از حد دختران عقد کرده باشد؛ اگر دلیل دیگری هم بود، پس باید پسرهای عقد کرده در دبیرستان را هم جدا می‌کردند.

طاهره ۲۶ ساله، لیسانس کامپیوتر در رشته اصلی را جلوگیری از انحراف اخلاقی می‌داند. او می‌گوید: برای این که افراد متاهل مسائل زندگی شخصی و خصوصی خودشان را به

ابوالحسن محمودی، دانشجوی مهندسی شیمی سعی می‌کند نگاه متفاوتی به موضوع داشته باشد و مشکلات مدارس دخترانه را محدود به این موضوع نمی‌داند او می‌گوید: البته جدای از این مسئله، چیزهای مهم دیگری هم در دبیرستان‌های دخترانه هست که از روی آن‌ها مانور داده شود بد نیست. این که بعضی از دانش‌آموزان سال اول -که امسال به سال دوم می‌روند و باید تابستان انتخاب رشته می‌کردند- قصد تحصیل در رشته ریاض، آمار، اقتصاد

این کار باعث کم شدن حد نصاب کلاس‌ها شده‌اند. این مسئله در نهایت هم باعث شد قانون جداسازی دانش‌آموزان متاهل نصفه و نیمه اجرا شود.

قانون جداسازی از کجا آمده است؟

منبای قانونی طرح همچنان مورد پرسش خانواده‌ها درگیر است. آیا این تصمیم سراسری است یا این که فقط در گراش اجرا می‌شود. حسن

و تمام نگرانی من این است که تندرست هوایی شود!»

«ما مشخص نیست دید فرهنگی کلی در مورد سن ازدواج چیست. در حالی که در بسیاری از تربیون‌های مذهبی خانواده‌ها به ازدواج سریع‌تر دختران و پسران تشویق می‌شوند. دخترانی که چند سال از سن بلوغ آن‌ها گذشته به جرم عقد کردن از حق تحصیل محروم می‌شوند. این ادامه گامی ما جد است. او می‌گوید: «تکلیف ما هر مشخص کنید که به حرف ما چیست. گوش کنید»

نمی‌تواند آفای جهانی بر اساس چه اطلاعاتی نصب کننور بر رو
استیاض را آتش‌نشانی بر گرشا را اولین در کنار خوانوانه
استیاض را در خواننده به وجود می‌آورد که این کار آفا بر د
شخصی و غیرقانونی بوده و بدعت‌گذاری شده است. اما آنچ
دیر این امور با ۱۲ سال سابقه در شرکت آفا فارس می‌داد
که شرکت‌های ا و فاضلاب در تمام ایران هیچ ا را به ص
به هیچ کاربری و آفاذر نمی‌کنند و حتی مساجد، حسینیه‌ها، ا
اماکن کنونی برای برابر قانون آبپهای خود را می‌پردازند.
جالب‌تر اینکه خود اداره آفا نیز ملزم به نصب کننور و پرد
می‌باشد که این کار نیز انجام می‌شود، و حتی اگر قرار بر ع
آبپها می‌باشد، الزما بایستی کننور نصب گردد تا میزان
و مورد نیاز شهر محاسب گردد و براساس آن محاسبات
کارشناسی جهت تأمین آب شهر انجام پذیرد.
علی‌الحال اگر حیثان استثنایی بدون کننور به مورد استفاده
این امور با نظر کارشناسی نسبت به محاسبه تخمین مصرف
خواهد کرد، و لذا اگر در شهری شیرهای برداشت آتش‌نشانی
ملاحظه گردد، دلیل بر عدم پرداخت آبپها نیست، بلکه
است به ضمن محاسبات تخمینی، هزینه بیشتری نیز پرداخت
در پایان جهت عرض تشکر مجدداً در استاندارکشان از نشر
انجام رسالت خطیر اطلاع رسانی به شهروندان گراش. خواه
برابر قانون نسبت به درج این جوابیه در شماره بعدی اقدام

یک قطعه زمین به متراژ ۳۰۰ متر
مربع واقع در شهرک رزمندگان با
موقعیت اشرف به فضا سبز با قیمت
توافقی به فروش می‌رسد.

ست نگه دارید

عقد دختران خود د

برای

اگر می‌خواهید دختر خانۀ دل‌بندتان را محصل می‌باشند را رسم و سنت پیامبر اسلام (ص) عقیقه کرده و محضری و قانونی نمایند دست نگهدارید و تا اتمام درس‌شای صبر کنید. می‌دانید چرا؟ بر اساس اناه‌مانگی‌های انجام شده بی‌بهره آموزش و پرورش و مدیران با اولیای محترم دختران محصل در گرایش، به جای اینکه ۱ سال قیام اطلاع دهند، بعد از رمضان امسال که برای ثبت نام مراجعه کردند، آنها گفته شده که اگر دختر خانۀ شما عقد می‌باشند و محضری

ما را به هیج حساب نمی‌کنید یکبارۀ بگوید که بروید بمیرید هم خودتان و هم ما را راحت کنید! افعا شما چه پیشرفتی می‌خواهید؟ از «هیج» پیشرفت به بعد نمی‌آید! این یک واقعیت است چون تگوییۀ دانش آموزان گراش پیشرفت نمی‌کنند!

پیس محترم آیا این حق ما نیست که رودرو مشکلاتمان نیستیم؟ آیا با صطرح کنیم؟ آیا افعا حق ما این است که پشت درختان و تفصل شده اتاق‌تان بمانیم و جوابی نشنویم و!...

ین هم پوستی از دانش آموزان خسته:

سنگی

مہوار

انواع نان

مخصوص

ملابریٹ، حبیب الہ دہری / ۰۳-۲۲۵۱۰۳
۳۱۴۸۴۳

جز درس چھی می تونہ عزیز من باشه
کی می تونہ تو قلب من جا شه
مگه می شه چیز ی بهتر از درس باشه

نظر بدهید

پیام بفرستید

۰۹۳۷۴۹۰۹۶۰۰

برادر عزیز جناب آقای
حسینعلی حسین شیرازی
 انتصاب شایسته شما به سمت فرماندار
 شهرستان مَهر را تبریک می‌گویم.
 باشد که با مدیریت شایسته شما نام شهر
 گراش بلندآوازه‌تر گردد.
 عبدالرضا افشار



■ **چهار سال پیش دکتر ابراهیم حسن‌نژاد رییس بیمارستان گراش شد.**

دکتر اژدري بعد از يك سال گراش را ترك كرد. در بخش دیگری از تغییرات اعضای هیات امنای بیمارستان نیز تغییر یافت و از سه نفر شامل دکتر عبداللّهی شمسی، نادر قانّدی و عادل درخشنده به عنوان اعضای تازه جدید

هیات امنای بیمارستان نام برده می‌شد.

■ **چهار سال پیش کودکستان دولتی گراش تعطیل شد.**
کودکستان علی‌اصغر (ع) گراش به دلیل عدم تامین نیرو تعطیل شد. ابراهیم مهروری رییس اداره آموزش و پرورش گراش ضمن تایید تعطیلی این کودکستان دلیل آن راعدم تامین اعتبار برای جذب کادر این آموزشگاه دانست.

■ **پسین دهکویه**

پسین دهکویه در شماره ۷۹، مهرماه ۹۰، به قبول شدگان کنکور پرداخته که از لیست تقریبی ۳۰ قبول شده، نیمی از آنها در شهرهای بزرگ پذیرفته شده‌اند.
خبر تقدیر از قبول‌شدگان و ممتازان ورزش و مدارس نیز در پی این لیست آمده است. پیگیری خبر شهرستان شدن اوز و نقل قول از صحبت‌های حسنی، برگزاری کلاس آموزش پخت ماهی و میگو توسط جهاد کشاورزی لارستان و تخصیص اعتبار ۴۵ میلیون تومانی برای مرمت آب‌انبارهای معتمد و دهن‌شیر شهرستان لار توسط میراث فرهنگی فارس از دیگر خبرهای پسین هستند.
پسین هم در این شماره به موضوع آمار پرداخته و آن را به طور مفصل شرح داده و آمار خود دهکویه را هم در چند سال گذشته درج کرده و تحلیلی بر آن نوشته است. چیزی که بیشتر جلب توجه می‌کند، خطا در آمار دوره قبل است که بیشتر به خاطر مسئله مهاجرت بوده است؛ مشکلی که در گراش هم می‌توان آن را دید. در صفحه ورزشی این شماره در مطلب بلندی علت‌های نتیجه نگرفتن تیم منتخب جوانان دهکویه ریشه‌یابی شده است؛ موضوعی که کمتر در نشریات منطقه دیده شده است.

■ **صحبت‌نو**

«در لار همه به من سیلی زدند.»
این تیت‌ر اول شماره ۲۱ صحبت‌نو در هفته سوم مهرماه است. این مصاحبه با آجرلو شهردار مستعفی لار در صفحه سوم خواندنی است. پیگیری این‌موضوع و درج خبر

■ **چهار سال پیش ۶۰ میلیون اعتبار برکه کل تصویب شد.**
این بودجه از سوی سازمان شهرداری‌های کشور و در قالب طرح راهبردی حفظ و احیای بافت تاریخی تخصیص یافته است. ابراهیم رامیارپور مسئول مالی شهرداری در این زمینه گفت: ۱۵ میلیون از این‌بودجه دریافت شده است که باید هر چه

سریع برای تهیه طرح اقدام شود.
بیش بینی می‌شود بتوان چیزی در حدود ۴۰ میلیون از این بودجه را جذب کرد.
بزرگ‌ترین آب‌انبار ایران حاصل نشده است و مشخص نیست این بودجه کجا مصرف شد.

■ **مصاحبه به محبی**
چهار سال پیش محبی نماینده مردم

لارستان و خنج با صحبت‌نو گراش مصاحبه کرد او درباره محدوده گفت: این محدوده جزء لار یا گراش باشد برای مردم تفاوتی نمی‌کند، همانطور که یک گراشی می‌تواند در لار صاحب خانه و ماشین و زمین باشد، یک لاری هم حق دارد در شهر گراش از چنین مزایایی برخوردار باشد.
محبی در جواب این که مرز محدوده کجاست گفت: الان حضور ذهن ندارم.

دفتر فنی استانداری با دقت هر چه تمام‌تر مسئله را بررسی کنند و طبق قانون محدوده را مشخص کنند.

■ **دو تصادف با تراکتور**
در میان حوادث آبان ۱۳۸۶ دو تصادف با تراکتور دیده می‌شود. عقیل محمدنژاد از ناحیه سینه و محمود باقری از ناحیه سر به خاطر تصادف با تراکتور مصدوم شدند

شده و خواستار همدلی مردم شده است. سرشماری نفوس هم ستون دیگر صفحه اول را به خود اختصاص داده.

میلاد در صفحه اقتصاد به معرفی شرکت تولیدی پودر ماهی ساردین لارستان پرداخته است. این شرکت ظرفیت تولید ۷۲۰۰ تن در سال را داراست و با هزینه ۷۰۰ میلیون تومان راه‌اندازی شده است. در صفحه آخر این شماره هم مقاله‌ای به موضوع انتخابات اختصاص دارد و در کنار آن مطلبی با تیت‌ر «چه کسی شهردار لار می‌شود» به شورای شهر و شهردار تومان راه‌اندازی شده است.
میلاد لارستان در شماره ۶۷۲، هفته چهارم مهرماه، عکس و حضور «محمد تقی‌خان»، نابغه قرآن جهان اسلام، حافظ کل قرآن کریم با ۵۱ روش قرآنی، و «محمد تقی‌خان» برادر نواختن زنگ مهر به روی جلد برده وی را در لارستان به روی جلد برده است. این دو برادر پاکستانی به مدت سه روز مهمان محفل انس با قرآن در لار بوده‌اند. عنوان یادداشت هفته‌ی این شماره «به کجا می‌رویم» است، که مدیر مسئول نشریه در آن درباره انتخابات آینده مجلس می‌نویسد: «بعضی شهرستان‌های همجوار کاندیدای مورد نظر خود را انتخاب کرده‌اند ... و بعضی شهرستان‌ها بر ماندن نماینده کنونی‌شان توافق کرده‌اند. کمتر شهرستانی وضعیت ما را دارد که هنوز حتی برای خواص مشخص نیست که مردم باید به چه کسی رای دهند ...»
خبر اجرای نمایش «صدا، سکوت، حرکت» به کارگردانی غزل بهارستانی در تاریخ ۲۲ تا ۲۸ مهرماه و همچنین راهیابی آن به جشنواره استانی تئاتر فجر فارس از دیگر مطالب این شماره‌اند.



■ **میلاد لارستان**

صفحه اول شماره ۶۶۹ میلاد لارستان، هفته اول مهر، به مراسم رژه هفته دفاع مقدس پرداخته و عکس و یادداشتی هم به آغاز سال تحصیلی اختصاص داده است که البته شاید بهتر بود در انتخاب عکس دقت بیشتری می‌شد. در قسمت عکس و یادداشتی اول هم پرسش مردم در خصوص کارهای شورای شهر و عدم ارائه کارهای انجام شده این شورا به مردم درج شده است.
اتصال شهرک صنعتی لار به شبکه گاز کشور، داوطلب شدن ۱۵ هزار نفر برای همکاری در سرشماری، و حضور مدیر کل مدارس غیردولتی در لار از خبرهای صفحه دوم این شماره است. به نقل از حسنی هم آمده: «هرمود لارستان می‌تواند پایتخت اکوتوریسم فارس شود.» میزبانی لارستان در مسابقات لیگ دسته دوم فوتسال بانوان کشور و چهار مطلب درباره کوه‌نوردی، مطالب صفحه ورزشی این شماره را تشکیل می‌دهد.
برگزاری سومین نمایشگاه کتاب در سال ۹۰، کسب مقام سوم بازیگری بلندگرمی در جشنواره تئاتر فسا و کسب برتری لارستان در توسعه فعالیت‌های سینمایی استان از

دوری از گناه غیبت

این روزها خیلی‌ها از من گله دارند.

حال این روزهای من شبیه آن کسی‌ست که از او پرسیدند: چرا تنهایی؟ جواب داد: از وقتی تو آمدی تنها شدم . خیلی از اخلاق‌های من تغییر کرده که به مذاق همه خوش نمی‌آید. از این که تنهایی را خیلی دوست دارم و سکوت را به حرف زدن ترجیح می‌دهم و خانه را تنها نمی‌گذارم که بگذریم، از امر و نهی‌هایی که به دور و بری‌ها می‌کنم نمی‌شود گذشت. خیلی‌ها می‌گویند تو زیادی نسبت به بعضی چیزها حساس شده‌ای (و راست هم می‌گویند!).

نمی‌دانم مشکل از من است یا دیگران که خیلی دوست دارند نسبت به بقیه بدبین باشند یا غیبت‌شان، یا سرزنش‌شان کنند. مدت‌ها با این درگیر بودم که شاید این منم که سخت می‌گیرم تا این که چشمم به یک کتاب در کتابخانه افتاد. خاطرات اطرافیان امام از امام رحمه الله علیه بود. در یکی از خاطرات آمده بود که امام از حرف زدن در مورد دیگران (در جاهای غیر ضروری) نهی می‌کردند. وقتی به ایشان می‌گفتند این حرف‌ها که گناهی ندارد می‌گفت بعداً ممکن است ناخواسته به گناه کشیده شود (و من از این می‌ترسم).

در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و اله آمده است:

« ... هر که اغیبتی را از مومنی] رد نکند گناهی هفتاد برابر شخص غیبت کننده است»

و من می‌ترسم در اثر رو در بایستی یا هر چیز دیگر این کار را نکنم و گناه مفتی را به دوش بکشم. چه بدبختی بدتر از این که کسی دیگر لذت این کار را ببرد و گناه و عذاب وجدانش برای من باشد. برای همین از هم‌صحبتی با خیلی‌ها به شدت می‌ترسم.

بگذار این پستم کمی طولانی شود. بگذار بگویم که آرامشم نسبت به قبل چند برابر شده. بگذار بگویم که لذتی از زندگی می‌برم که قبلاً نچشیده بودم. بگذار بگویم که چقدر سخت مشغول کار بودن را دوست دارم و بگذار همه بفهمند که چه زندگی شادتری را تجربه می‌کنم. از تمام کسانی که به خاطر تغییرات بسیاری که گفتم و نگفتم از من دلگیر شدند دلجویی می‌کنم. حلالم کنید.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

آیا می‌دانید براساس قانون جدید راهنمایی و

رانندگی استفاده از کلاه ایمنه برای راننده و ترک نشین.

موتورسکلت الزامه بوده و در صورت عدم استفاده از کلاه

ایمنه موتورسکلت به پارکینگ هدایت می‌شود؟

پلیس راهنمایی و رانندگی فرماندهی انتظامی شهرستان گراش



شماره پنجم
آبان ۱۳۹۰

۹

رسانه

دنیای جدید

همرازپور



روایتی مستقیم از جنگ ورزمندگان

وبلاگ‌نویسان معمولاً جوان هستند اما این دلیل نمی‌شود که گروه‌های دیگر وبلاگ ننویسند. ورود حبیب فروزش به جمع وبلاگ‌نویسان بعید نبود. حبیب که سابقه کارهای هنری گوناگون مثل مجری رادیو و کارگردان تئاتر و خوشنویس را در دوران دفاع مقدس و پس از آن دارد حالا می‌خواهد خاطرات و یادهایش فراموش نشود. به خاطر همین شروع به نوشتن در «خاطرات گمشده» کرده است. خوانندگان خاطرات گمشده برای جوان‌ها فرصت خوبی است که روایتی مستقیم و بی پرده از جنگ و ورزمندگان داشته باشند. خواندن خاطرات گمشده برای بزرگ‌ترها هم می‌تواند یادآور لحظه‌هایی آشنا باشد. نوشته حبیب در مورد شهدای هفت تن و ده تن گراش از بهترین نوشته‌های وبلاگ اوست. در میان نوشته‌های وبلاگ گاهی مسائل روز هم دیده می‌شود. مثل نوشته‌ای که او به حذف عبارت شهیدان و رزمندگان اسلام از متن تکبیر نماز جمعه اعتراض کرده است. خاطرات گمشده را از اینجا بخوانید: hamrazm.loxblog.com

گروه صنعتی درختسند «آرتیستنا»

اولین تولید کننده پنجره‌های

UPVC

جداره

درگراش



دفتر مرکزی فروش: خیابان تمیز ساختمان شمسی

تلفن:۰۹۵۵ ۰۲۲۳ – ۰۷۸۲

۰۹۱۷ ۹۹۹ ۹۹ ۸۱

خبرنگار
شماره پنجم آبان ۱۳۹۰
از جریبش تا گراش
۱۵

باغ‌آر...
سمن تپی زاوه

زوال قدرت مادر شوهر

باری، چندی است که سایه ظلم و ستم مادر شوهر قدیم بر ستون ما سنگینی می‌کند. بدبهی است که مادر شوهران قدیم دارای صفات نیک هم بوده‌اند، ولی قصه ظلم و ستمی که اینان بر عروسان جوان و نوجوان روا داشته‌اند، سسری دراز دارد. به راستی کجا هستند فمینیست‌های مادرمرده منطقه‌ی ما؟ چرا در این باره کسی چیزی نمی‌نویسد؟ چرا افکار و تخیل فمینیستی‌شان در کوچه پس‌کوچه‌های قدیمی پاریس و کارخانه‌های نیویورک شست هفتاد سال پیش پرسه می‌زند؟

اگر نیم‌گاهی سطحی و گذرا به همین سیی الی چهل سال پیش منطقه خودمان داشته باشند، می‌توانند صدها سوزوه و مطلب درباره بدبختی و مشکلات زنان بنویسند و اگر اندکی بسر این موضوع تأمل و تعمق کنند، نمونه‌های منحصر به فردی را خواهند یافت که در این مناطق حقوق زنان، بی هیچ‌گونه دخالتی از سوی مردان، توسط خود زنان پامال شده است. شاید اصلا مردها برای پامال کردن حقوق زنان‌شان وقتی نداشتند، و این تازه عروسان نوجوان بیشتر عمرشان را در کنار مادر شوهر و خواهر شوهر و «مُجَلّ» (جاری) ریز و درشت می‌گذارانند که همگی زن بودند. باری امروزه دیگر مثل قدیم حق و حقوق این نوع از زنان (عروسان) توسط نوعی دیگر از زنان (مادر شوهران) پامال نمی‌شود و عروسان مدرسه و دانشگاه رفته دست پیش گرفتارند و زبان آگاهی و استدلال آنان بر زبان تند و تیز مادر شوهر کارگر شده است.

البته عوامل متعددی وجود دارند که باعث انفعال و عقب‌نشینی مادر شوهران امروزی شده است و در مقابل عروسی توان‌گر، باسواد، متجدد و فمینیست، توان کارزار را از دست داده و در لاک دفاعی فرو رفته‌اند. چون تمامی ابزار قدرت‌هایی که مادر شوهر قدیم در دست داشتند، بر اثر گذشت زمان و کهنگی و البته غفلت خودشان از دست داده‌اند. در بیشتر این موارد هیچ کس مقصر نیست جز خود آن‌ها، که متأسفانه بر شمردن عوامل خلع سلاح مادر شوهر امروزی و کاوش و بررسی علمی و دقیق، مجال و مکانی در این مقاله واین ستون ندارد و فقط می‌توان به چند مورد به زبان عامیانه قناعت کرد.

مادر شوهری که «آتک ماتک» دو تا بچه زاییده، خیلی شانس آورده باشد یکی‌اش پسر باشد و او را با شیر گیگوز بزرگ کند. وقتی او از مدرسه و دانشگاه و سربازی فارغ شود، سن‌اش به بیست و چند سال می‌رسد و چهار پنج سال هم طول می‌کشد که در هفت خان تفاهم دو سه نازد، عوض کند. آنگاه سن پسر به سی و چند سال رسیده است و همسر دلخواه پسر حاضر نمی‌شود

در خانه‌ی پدری پسر بماند، هر چند خانه پدر همسرش قصر باشد. اصلا فرض کنیم که عروس حاضر باشد در خانه پدر شوهر خود و نزد مادر شوهر بماند. مادر شوهر امروزی چه حرفی برای گفتن دارد و چه چیزی را می‌تواند به عروس خود یاد بدهد تا عروس از او حساب ببرد؟ مادر شوهری که حتی یک بار مهوه درست نکرده است و طرز پختن نان‌های مختلف مجلسی را بلد نیست و حلوائی «بی‌تُو» نیخته است و تمام زندگی او مرهون صنعت و تکنولوژی عصر جدید مثل جارو برقی و ماشین لباس‌شویی ماکروویو و غیره و غیره است، مطمئنا حنایش برای عروس زبل و باسواد امروزی دیگر رنگی ندارد.

کلویار
<i>نمجر جواد سن‌نژاد</i>

به روایت: حاج حسین داوودیان

در گذشته مردان و زنان شهرمان در اکثر زمینه‌ها خودکفا بودند و نیازهای خود را خودشان برطرف می‌کردند. گرانسی‌ها در سفالگری، بوریابافی، گلیم‌بافی، شیشه‌سازی، باروت‌سازی، ساخت اسلحه، صنایع چوب، آهنگری (ساخت قفل و ...) سنگ‌تراشی (ساخت هاون و سرستون‌های منازل)، چلنگری، گیوه‌دوزی و غیره ید طولایی داشتند و محصولات‌شان را به شهرهای همجوار نیز صادر می‌کردند.

■ **سه نفر برای یک ملکی**
ساخت گیوه که در اصطلاح محلی «مَلکی» (maleki) نام داشت در گراش رواج داشته است. گیوه‌هایی که خشونت تخته‌سنگ‌های کوهستان‌ها را به هنگام شکار یا تهیه هیزم به راحتی تحمل می‌کردند و سال‌ها پوششی مناسب برای پاهای مردان و زنان گراشی بودند و ماندگاری فوق‌العاده‌ای داشتند. در ساخت یک گیوه سه نفر دخالت داشتند. شخص اول شیوه‌کش بود که کار ساخت تخت گیوه را انجام می‌داد و شخص دوم کسی بود که پوشش بالایی گیوه را می‌ساخت و سومین نفر هم کار اتصال این دو قسمت را برعهده داشت و آن را می‌دوخت که به «کَمَرگیر» مشهور بود.

این افراد در منازل‌شان مبادرت به ساخت گیوه می‌کردند و کارگاه خاصی وجود نداشت. ابتدا نوبت به گرفتن سفارش کار بود. شیوه‌کش کار تخمین اندازه‌ی پای مشتری را بدون داشتن هیچ‌گونه ابزاری انجام می‌داد و تنها با نگاه کردن به پای مشتری، حساب اندازه پای آن‌ها دستش می‌آمد.

■ **شیوه‌کش**

اولین مرحله، ساخت تخت گیوه (مَلکی) بود که کار شیوه‌کش بود.

آزروکارفته
<i>عاج محمدعلی زارعی</i>
تنظیم: ناهید شیروان

آن زمان کسی مثل حالا سواد نداشت. مثلا موقع حساب کردن میراث، می گفتند: «این هزار قرون پول داره.» نمی‌دانستند هزار تومان چقدر است. هر کسی زیاد پول داشت، که مثلا می‌رسید به یک میلیون یا دو میلیون، طرف که می‌مرد، با ترازو و میزان مال‌اش را تقسیم می‌کردند. می گفتند: «ذَنبَرِی یک وُکِه، پَسِ‌بری یک چارَک» اگر پول بیشتر بود می گفتند: «ذَنبَر یک چارک بکنشی، پَس‌تر هم نیم من». آن زمان فقط تا دو میلیون ممکن بود بفهمند، آن هم تعداد کمی، نه همه. حساب‌اش را بکن، از هر صد نفر، پنج یا ده نفر سواد داشتند. بقیه بی‌سواد بودند و دنبال کار می‌رفتند. یک ضعیفه مثلا اگر شوهرش بفره بود سفر، و می‌خواست یک نامه برایش بنویسد، می‌گفت «تو ایسن محله کی ملا است؟ می‌خوام یک خطی بنویسم برای شوهرم.» خط (نامه) هم تا وقتی می‌رفت و جواب‌اش برمی‌گشت، شش هفت ماه طول می‌کشید، چون رفتن‌شان با چهارپا بود. لب دریا هم قایق و

یلوهای عامه
<i>میا شمیری</i>
<i>الهام زارعی</i>
بارهای عامه شیوه‌ای بوده برای پاسخ به چرایی پدیده‌ها. گردآوری این مجموعه برای تایید و ترویج این باورها نیست بلکه منبعی است که باید حفظ شود تا پژوهشگران درابند، گذشتگان ما چگونه دنیا را درک می‌کردند.

■ **اَکْ صَب زید دَم دالوتو**
اَو کَنَلون بِلَرِش بِرِ چَش زَخُم خَشِن.
اگر صبح زود دم در خانه‌ات آب قلیان بریزی، برای چشم‌زخم خوب است.
اگر سوزش و خارش در چشم‌ت،
aga sobe zid dame dāowlūt āowe kalūn belezesh bare čaš xaxm xašen.

کلویار
<i>نمجر جواد سن‌نژاد</i>

عکس: امیر قادری – خبرنگارری فارس

شیوه‌کشان سخت‌ترین و حساس‌ترین مرحله کار را انجام می‌دادند. مواد اولیه‌ی کار شیوه‌کش پارچه‌های نخی دور ریز و اضافه و مستعمل بود. پارچه‌های نخی مناسب کار بودند و استحکام خاصی به کار می‌بخشیدند. شیوه‌کش پارچه‌ها را به ابعاد تقریبی ۱۵×۳۰ سانتی‌متر می‌برد و به صورت لوله به دور هم می‌پیچید و سپس این لوله‌های پارچهای را کنار هم قرار می‌داد. تعداد این لوله‌ها برحسب سایز پای مشتری متغیر بود. پس از قرار دادن این رول‌ها کنار هم، به وسیله‌ی ابزاری شبیه بُتک ولسی در اندازه‌ی کوچک‌تر آنها را به هم می‌کوبید و هم‌زمان مقداری آب نیز روی پارچه‌ها می‌پاشید و آن‌قدر با بُتک بر روی آن می‌کوبید تا کاملا پرس شود و تختی محکم و فشرده را تشکیل بدهد.

سپس اضافات را نیز به وسیله «شِفَرِه» (Shefera) (ابزاری جهت بریدن

کلویار
<i>نمجر جواد سن‌نژاد</i>

اضافات) می‌برد. آن گاه با ریسمان محکمی که «دَز» (dez) نام داشت و درفش داغ‌شده‌ای، این تخت را دور تا دور می‌دوخت تا بر استحکام آن افزوده شود. سراسر و بالا و پایین این تخت را نیز با چسب مخصوصی که «گِیزِه» (giza) نام داشت و از صمغ نوعی درخت تهیه می‌شد می‌پوشاند. این کار دو حسن داشت: یکی اینکه دوام تخت را بالا می‌برد، و دیگر این که از لیز بودن کف گیوه جلوگیری می‌کرد و شخص به راحتی می‌توانست بر روی سطوح لیز حرکت کند.

حال نوبت به ساخت قسمت پاشنه و نوک گیوه بود. برای ساخت این قسمت از نوعی چرم که از پوست شتر تهیه می‌شد استفاده می‌کردند، چون دوام فوق‌العاده‌ای داشت. شیوه‌کش این قسمت را نیز به خوبی به تخت گیوه متصل می‌کرد و می‌دوخت و به وسیله چسب محکم می‌کرد.

مراحل ساخت یک گیوه

پاپوشی برای پاهای بی غرور



عکس: امیر قادری – خبرنگارری فارس

مرحله ساخت تخت گیوه به‌هسته تمام رسیده و نوبت به مرحله‌ی پایانی ساخت گیوه یعنی مرحله نصب قسمت فوقانی گیوه که اصطلاحاً «بُشت و لی» (posht-o-li) (رویه‌کار) نام داشت رسیده است. این قسمت از جنس نخ سفید نسبت کلفتی توسط زنان بافته می‌شده همان زمانی که بافت جوراب را بر عهده داشتند. نصب این قسمت را استاد کمرگیر برعهده داشت. کمرگیر این قسمت بافته شده را به تخت اصلی کفش متصل می‌کرد و با استفاده از نخ می‌دوخت. اکنون ساخت گیوه به اتمام رسیده است و آماده تحویل به مشتری است. ساخت یک جفت گیوه نصف روز وقت می‌رد. البته زمان ساخت پشت محاسبه نشده است.

■ **انواع گیوه**

گیوه‌ها بر دو نوع بوده‌اند: یک نوع

همزبان
<i>البراهمانری</i>

شیوه فرستادن پی نخودسیاه

هر چه بیشتر می‌گذرد سادگی مردم هم کمتر می‌شود،در گذشته حرف‌ها راحت‌تر از امروز و بدون هیچ چون وچرایی مورد قبول واقع می‌شد. امروز هر کسی حرفی را می‌شنود تا دلیلی منطقی برای خودش پیدا نکند آن را قبول نمی‌کند حتی بچه‌ها هم به راحتی گول نمی‌خورند. یکی از رفتارهایی که پدر بزرگ و مادر بزرگ‌هایمان قبلا انجام می‌دادند و پدر و مادرهای ما خیلی راحت و بدون چون و چرا قبول می‌کردند «شیشن مثر» بود.

شیشن مثر داستان‌ای‌است که خیلی از ما از آن بی‌خبریم و بعضی مثل من خیلی وقت نیست می‌دانند، باز کردن این حقه شاید ضروری بر خاطرات پدر و مادرها باشد

نخود سیاه با توجه به شرایط محیطی مختلف می‌تواند معانی مختلفی را از نظر افراد متفاوت داشته باشد.نخود سیاهی که امروز به کار می‌بریم یعنی همان خلاص شدن از شر بعضی افراد، البته برای مدت زمانی. این تعریف من از نخود سیاه است. شیشن مثر روایت قدیمی نخود سیاه است. برای این که کاملاً متوجه این واژه قدیمی که مدت‌هاست رنگ باخته شوید، کمی معنی آن را می‌شکافیم. مادر بزرگ‌ها وقتی خیلی کار داشتند و یا می‌خواستند به جایی بروند و یا حوصله سر و صدا و بازی بچه‌های‌شان را نداشتند به آن‌ها می‌گفتند: «ثَره خونه فلائی بگه نموش گتن شیشن مثر ماده بیا بر ما» (به خانه ی فلائی برو و بگو مادرم گفته به من شیشن مثر بدهید) بچه‌ها هم بدون توجه، به خانه ی فلائی می‌رفتند و همین خبر را می‌رساندند و شنونده متوجه می‌شد که مادرشان بنا به دلیل کار و یا دلایل دیگر نمی‌تواند آن‌ها را در خانه نگه دارد و از آن‌ها مراقبت کند و به همین دلیل بچه را سرگرم می‌کرد و نمی‌گذاشت به خانه بر گردد و همان شیشن مثر(بنشان و نگذار) را یعنی همان نگذار بایاد را انجام می‌دادند و چندین ساعت به بهانه ی پیدا نکردن «شیشن مثر» بچه را سرکار می‌گذاشتند و با گفتن این که پیدا نشد و یا دادن یک شیشه از هر چیز، بعد از چند ساعت آن‌ها را خسته به خانه برمی‌گرداندد.

این ترفندی بود که بزرگترها استفاده می‌کردند و البته امروزه شاید محال باشد این ترفند قدیمی جواب دهد. خودمانیم عجب فکری بکری بوده برای آن روزها! بچه‌های امروزه وقتی به آن‌ها بگویند برو فلان جا یا نمی‌روند و یا با نخود سیاه بر می‌گردند.

اوقات شبانه‌روز در باورهای عامه

آب خوردن از دست شیطان

اگر شب ناخن بگیری اومد نیومد دارد.
aga šaow naxom bečeneš ūmad nayūmad oše.
■ **وَقْتُ غَرْبِ سیاهی و سفیدی(چون: آرد و زغال)**
نباید از خونت وَدَر اِچه که نَنگِن.
در موقع اذان آب ننوشید که آب از دست شیطان می‌نوشید.
teke azūn āow māvaxri ke āow ez dase šytūn avāxri
■ **اَکْ شاو نَخَم بَچِنش، اومد نیومد اُشه.**



عکس‌ها از آگوم مرحوم حمید رایگان- سید رایگان



ایستاده از راست: غلامحسین رایگان - حمید رایگان- محمد شادر ام رشیده، غلام کیانی - غلامعلی شادآورد- طالب خلیلی

مراحل ساخت یک گیوه

مجلسی که از تخت نازک‌تری ساخته می‌شد و ظرافت بیشتری داشت و در مراسمات استفاده می‌شد، و نوع دوم گیوه‌هایی که از تخت ضخیم‌تری ساخته می‌شد و برای کارهای خشن مثل رفتن به کوه و حمل هیزم و غیره استفاده می‌شد. عمر یک گیوه به چهار سال نیز می‌رسید.

بعد از گذشت مدتی، رنگ سفیدی گیوه به زردی می‌گرایید، چون قسمت فوقانی از جنس نخ سفید بود. برای سفید کردن دوباره آن از گرد گچ یا آهک استفاده می‌شد.بدین ترتیب که ابتدا گیوه را با آب کاملاً می‌شستند و بعد از خشک شدن، پودر گچ یا آهک را به روی قسمت پارچهای می‌پاشیدند تا یکنواخت سفید شود. این همان عمل واکس زدن امروزی بود.

از خصوصیات خوب گیوه این بود که دوام داشت و فوق‌العاده‌ای داشت، سبک و راحت بود، پاها بو نمی‌گرفت، گیوه همیشه خنک می‌ماند چون در ساختار آن نخ به کار رفته بود و پاها در آن احساس خنکی می‌کردند.

■ **شیوه‌کش‌های گراشی**

از معروف‌ترین شیوه‌کشان گراشی می‌توان از محمد مchedیان (معروف به محمد شیوه‌کش)، محمد فردفانی، حاج محمد ایزدین (داوودیان) نام برد که همگی به رحمت ایزدی رفته‌اند. امروزه دیگر در این شهر نه از گیوه‌پوشان خبری است و نه از گیوه‌سازان. اگر هم گیوه‌ای باشد، پاهای بی‌غروری می‌خواهد که آن را ببوشد، که بی‌گمان وجود ندارد. چهل و پنج سالی است که ساخت گیوه در وسط فلکه تعبیه بود و در اینجا می‌شد و کفش‌های شیک و کم‌دوام جای گیوه را گرفتارند. این صنعت همچون خیل دیگر صنایع دستی به فراموشی سپرده شده است.

دیروزها

مرد تپی زانمان



الهی درد بی دوا نگیری

در شماره پیشین از تب نوبه و دردسرهای آن گفتیم علی‌ای‌حال، این تاریخ نیست؟ اگر نیست مصیبت تلخ‌تر و ناسزاوارتر هنوز گفته نشده، و آن این که، غم‌بارتر و یأس‌انگیزتر، در برابر این هجوم بی‌رحمانه مرض که کمر به نابودی مردم بی‌گناه بسته بود، نبودن طبیب و دارو در قبال درد و مرض، مزید بر علت قلم‌داد می‌شد.

خوب دردناک‌ترین نفرین این بود و هست که می‌گویند «درد بی‌دوا بگیری.» که ما با این نفرین ناخواسته مبتلا بودیم. ای جوانان و بلکه ۶۰ ساله‌ها به پایین، به این گوشه از زندگی که بر ما گذشته تگاهی بیفکنید. بر فرض که دکتر هم وجود داشت، وقتی دارویی در اختیار نباشد، به جنگی می‌ماند که یک طرف دعوا به صلاح جنگی مجهز باشد و طرف مقابل با تیر و کمان خودساخته بخواد مقابلۀ نماید.

بگذریم. یک نفر از تاجر لاری به نام حاجی عبدالرضا، مقیم بمبئی بود و در آن ولایت تجارت داشت. مشارالیه فرزندی به نام حبیب داشت که در ایام اقامت در بمبئی گویا درس طب یا مختصری از این علم فراگرفته بود.

او به ایران می‌آید، نادره‌ها به سابقه کنسولی در بندرلنگه برای دولت ایران، چهره آشنایی بود و با عنوان طبیب مجاز به لار آمد.

داروی درد مالاریا دواایی بود به نام «کنین» که به صورت قرص، محلول، آمپول شفایبخش بیماران بود، اما چون از طرف دولت مطلقاً توجهی نمی‌شد در بازار آزاد به صورت گران خرید و فروش می‌گردید. در حالی که فرد کارگر روزانه ۲ ریال دریافت می‌کرد و حقوق کارمند دولت ۱۸ تا ۲۰ تومان بود، آمپول کنین هر عدد ۸ تا ۱۰ تومان قیمت داشت و قرص آن که به خاطر رنگ آبی‌اش به قرص آبی معروف بود هر دانه ۲ تا ۳ تومان می‌فروختند. با این وصف معلوم است که استطاعت خرید برای چه افرادی میسر است.

داروی دیگری نیز بود به نام «آتبرین» که این هم به صورت آمپول و محلول وجود داشت و زودتر علاج‌بخش بود، اما با مصرف‌اش، در صورت و بدن مصرف‌کننده زردی آشکار نمودار می‌شد. فرماندار می‌گفت چون در لار اداره بهداشتی و بهداشت تأسیس نشده دولت دارو نمی‌فرستد؛ که خود عذر بدتر از گناه شمرده می‌شود.

اما پیش‌کوتان باتجر به، جوشاندن گیاهی به نام (دریم) یا درنمه) را دوا ی تب نوبه می‌دانستند. این گیاه که به وفور در دشت و دمن لار می‌روید، گیاهی است خار مانند، همراه با برگ بسیار، ریز، سفید مایل به سبز که به چوب خشک شبیه است. برگ‌ها را از شاخه جدا نموده و در دیگی می‌جوشاندد تا رنگ قهوه‌ای به خود بگیرد و کمی قوام آید. این محلول بسیار تلخ را به ناچاری در هر روز ۳ نوبت می‌آشامیدند. تا اینجا را داشته باشید.

بنا به گفته بیهقی از حدیث، حدیث خیزد. در زمان پهلوی اول، ارتش در امر مملکتی نظارت و دخالت داشتند. تا چند سال بعد از او نیز این گرده ادامه داشت. هنگامی که بازرس برای فرهنگ می‌آمد، از میان همان افسران بلندپایه بودند. ضمناً به ما مشق سربازی می‌دادند، به این نحو که در روز و ساعت معین گروهبانی از سربازخانه می‌آمد و به ما مشق می‌داد و ما مثلاً قدم رو، به سر چپ، قدم آهسته و غیره را آموخته بودیم. به هر حال صبح‌گاهی در سپر صف آقای ناظم اظهار داشتند که «فردا تیمسار فلان به‌لا می‌آیند. خوب است به سر و وضع خود برسید» و بنده را هم خواستند و نامه‌ای به دستم دادند حاوی خیرمقدم. کار کوچکی نبود، ولی از شر آن در می‌گذرم.

فردا صبح به دستور سرگروهبان به صف ایستادیم. بعد به فرمان دو به به و سپس قدم‌رو در حالی که معلمین از کنار صف ما عبور می‌کردند حتی بچه‌ها هم به راحتی گول نمی‌خورند. یکی از رفتارهایی که پدر بزرگ و مادر بزرگ‌هایمان قبلا انجام می‌دادند و پدر و مادرهای ما خیلی راحت و بدون چون و چرا قبول می‌کردند «شیشن مثر» بود.

شیشن مثر داستان‌ای‌است که خیلی از ما از آن بی‌خبریم و بعضی مثل من خیلی وقت نیست می‌دانند، باز کردن این حقه شاید ضروری بر خاطرات پدر و مادرها باشد

نخود سیاه با توجه به شرایط محیطی مختلف می‌تواند معانی مختلفی را از نظر افراد متفاوت داشته باشد.نخود سیاهی که امروز به کار می‌بریم یعنی همان خلاص شدن از شر بعضی افراد، البته برای مدت زمانی. این تعریف من از نخود سیاه است. شیشن مثر روایت قدیمی نخود سیاه است. برای این که کاملاً متوجه این واژه قدیمی که مدت‌هاست رنگ باخته شوید، کمی معنی آن را می‌شکافیم. مادر بزرگ‌ها وقتی خیلی کار داشتند و یا می‌خواستند به جایی بروند و یا حوصله سر و صدا و بازی بچه‌های‌شان را نداشتند به آن‌ها می‌گفتند: «ثَره خونه فلائی بگه نموش گتن شیشن مثر ماده بیا بر ما» (به خانه ی فلائی برو و بگو مادرم گفته به من شیشن مثر بدهید) بچه‌ها هم بدون توجه، به خانه ی فلائی می‌رفتند و همین خبر را می‌رساندند و شنونده متوجه می‌شد که مادرشان بنا به دلیل کار و یا دلایل دیگر نمی‌تواند آن‌ها را در خانه نگه دارد و از آن‌ها مراقبت کند و به همین دلیل بچه را سرگرم می‌کرد و نمی‌گذاشت به خانه بر گردد و همان شیشن مثر(بنشان و نگذار) را یعنی همان نگذار بایاد را انجام می‌دادند و چندین ساعت به بهانه ی پیدا نکردن «شیشن مثر» بچه را سرکار می‌گذاشتند و با گفتن این که پیدا نشد و یا دادن یک شیشه از هر چیز، بعد از چند ساعت آن‌ها را خسته به خانه برمی‌گرداندد.

این ترفندی بود که بزرگترها استفاده می‌کردند و البته امروزه شاید محال باشد این ترفند قدیمی جواب دهد. خودمانیم عجب فکری بکری بوده برای آن روزها! بچه‌های امروزه وقتی به آن‌ها بگویند برو فلان جا یا نمی‌روند و یا با نخود سیاه بر می‌گردند.

حیدرقلی بذرآقشان از نوادگان خیر نامدار گراش حاج اسدالله است. او این سال‌ها در شیراز ساکن است ولی از علاقه‌مندان پیگیر میراث تاریخی و فرهنگی زاد بوم خویش است. پیش از این یادداشت‌هایی را از او در نشریات گراش برای شما منتشر کرده‌یم.

پَرسه
<i>رابا نمونی نروای گراش</i>
■ دارالرحمه علی محمد قاسمی پور/ فرزند زینل اسکنه مغزی/ ۸۰/ ساله مولود عطائی کیسه‌کلان/ فرزند علی‌اسرطان ربه/ ۶۲/ ساله
■ دارالسلام میسر حسین‌شیری/ فرزند اسد/ ۶۴/MI/ ساله درویش خدمتی/ فرزند محمدعلی/ کهولت سن/ ۸۲/ ساله فاطمه‌بی‌بی مالدار/ فرزند فرج‌اکهولت سن/ ۹۱/ ساله عبداله مهربانی/ فرزند ندحسن/ کهولت سن/ ۸۹/ ساله

گفتگو

بخت‌ناپذی

گفتگو با سه جوان فوتبالیست

جوانان فوتبال چشم به فراتر از فارس دارند

تیم فوتبال جوانان پیروزی هلال احمر شهرستان گراش بعد از قهرمانی در زیرگروه مرودشت خود را برای مرحله بعد آماده می‌کند. دکتر بهمن ثابت و جواد آذربادگان مربیان این تیم هستند.



■ **نادر بختیار: پتانسیل و استعداد های گراش نادیده گرفته می شود**

نادر بختیار دروازه بان ۱۷ ساله تیم پیروزی هلال احمر شهرستان گراش در رقابت های جوانان استان فارس گفت: در برخی از موارد متاسفانه پتانسیل‌ها و استعدادهای جوانان گراش نادیده گرفته می شود.

وی گفت: برای ما جوانان مهمترین چیز رسیدن به اوج فوتبال در استان و کشور است که در این راستا اگر از ما حمایت شود به خوبی ایفای نقش می کنیم. کاپیتان تیم جوانان پیروزی هلال احمر شهرستان گراش افزود: حضور جوانان شهرستان گراش در رقابت های لیگ برتر می تواند زمینه ساز حضور بیشتر جوانان در مسابقات رده های بالاتر در کشور باشد.

وی معتقد است: امکانات و فضای ورزشی در گراش نسبت به برخی شهرستانهای استان فارس مطلوبتر است و البته رسیدگی مشکلات و خواسته های ورزشکاران در رشته های مختلف و تمامی رده های سنی باید بیش از گذشته مورد استقبال مسئولین قرار بگیرد.

■ **سجاد سبویی: برخی از باشگاه ها حاضر به همکاری با ما نشدند**

مدافع ۱۸ ساله تیم پیروزی هلال احمر شهرستان گراش گفت: برخی از باشگاه ها حاضر به همکاری با ما نشدند و ما انتظار داشتیم در یک حضور یک پارچه در رقابتهای فوتبال لیگ برتر بتوانیم با نتیجه مطلوبتری بر حریفان خود غلبه کنیم.

وی گفت این در صورتی است که برخی از شهرستان‌ها از حضور تیم‌های نونهالان و نوجوانان در لیگ برتر استقبال و حمایت می کنند.

سبویی ضمن تقدیر از مربیان و سرپرست تیم خطاب به مسئولین شهرستان گفت: حضور مسئولین در کنار کادر فنی و مربیان تیم باعث می شود تیم با روحیه مضاعفی به بازی های آینده خود فکر کند.

■ **مصطفی رادمرد: گراش قابلیت میزبانی مسابقات لیگ برتر را دارد**

مصطفی رادمرد دیگر مدافع ۱۸ ساله تیم پیروزی هلال احمر شهرستان گراش ضمن اعلام رضایت از برگزاری مسابقات جوانان لیگ برتر استان فارس گفت: گراش قابلیت میزبانی مسابقات لیگ برتر در تمامی رده های سنی را دارد.

رادمرد خاطر نشان ساخت: امیدواریم تیم های دیگری در رده های مختلف نونهالان و نوجوانان لیگ برتر استان داشته باشم.

وی الگوه خود را در فوتبال مهدی مهدوی کیا عنوان کرد و افزود: برای رسیدن به فرد ایده‌ال خود تلاش می کنم.



مسابقات تیراندازی- [عکس: سعید توکلی]



یازدید معاون استاندار از ورزشگاه محبی



مسابقات آزاد تنیس روی میز



مسابقات تنیس روی میز دختران



سوارکاری در ارستانجان



بیمارستان قهرمان فوتبال ادارات

چندقدمیورزش

■ **گراشی ها به هدف زدند**

۲۶ کماندار از گراش، لار و جهرم در مسابقات تیروکمان گراش به رقابت پرداختند. این مسابقات به صورت انفرادی و در دو بخش ریکرو و کمپوند از صبح امروز آغاز شد. در قسمت ریکرو عبداله محمدی که چندی پیش نایب قهرمان استان هم شده بود اول شد. فرهاد چوپانی و ابوالقاسم شیری هم مقام دوم و سوم را به دست آوردند و نفر چهارم حبیبعلی مولایی شد تا چهار نفر برتر این رشته از گراش باشند. این مسابقات بعد از ظهر با رقابت سه کماندار جهرمی در رشته کمپوند ادامه داشت که امین اسداله پور مقام اول را به دست آورد. در بخش بانوان مرضیه فعلی و معصومه روستایی از گراش اول و دوم شدند و لیلا صدر از لار مقام سوم را به دست آورد.

■ **هلال احمر موقتاً در صدر**

جمعه ۱۶ آبان ماه از سری مسابقات لیگ برتر فوتبال استان تیم فوتبال هلال احمر در زمین چمن شهدای گراش مقابل پادنا میمند قرار گرفت که در پایان توانست تیم میهمان را سه بر دو شکست داد. سه گل هلال احمر را محمودجواد آذریپین وارد دروازه حریف کرد.

با نتایج خوب تیم پیروزی این تیم در حال حاضر در صدر لیگ برتر فوتبال فارس قرار داد. اما به احتمال زیاد با حکم کمیته انضباطی به دلیل استفاده از بازیکن غیر مجاز شش امتیاز از این تیم کسر شود. با وجود کسر شش امتیاز نیز پیروزی از امیدداران قهرمانی بازی‌هاست. نتایج این هفته از این قرار است: هلال احمر گراش ۳ - ۲ پادنا میمند. ایسوزو کوار ۰ - ۱ کاروزن. جهرم ۱ - ۲ آباد. عقاب شیراز ۲ - ۰ قاقایی. عقیقی کوار ۰ - ۰ فیروزآباد. پیام نوید شیراز ۲ - ۰ لامرد.

■ **در تیم موی تای کاران همه با مدال برگشتند**

تیم موی تای شهرستان گراش که با ترکیب ابوالقاسم رزاق پور، زینل حامل، محمد انتقاد، و مهرداد زارعی به مربیگری عباس مهیایی جهت شرکت در مسابقات قهرمانی استان بزرگسالان به شیراز سفر کرده بودند با کسب ۴مدال نقره و برنز به گراش بازگشتند. در این رقابتها زینل حامل مدال نقره مسابقات را به گردن آورد و آقایان محمد انتقاد ، ابوالقاسم رزاق پور و مهرداد زارعی هر سه به مدال برنز این مسابقات اکتفا نمودند. سرپرستی این جمع به عهده نایب نامزد بود.

■ **بیمارستان قهرمان مسابقات فوتسال ادارات گراش**

دیدار پایانی مسابقات فوتسال ادارات گراش گرامیداشت هفته دفاع مقدس در حضور مسئولین شهرستان و با حضور گسترده ورزش دوستان بین دو تیم آموزش و پرورش و بیمارستان در سالن مجموعه ورزشی آبشار اندیشه گراش برگزار که تیم بیمارستان با برتری در مقابل آموزش و پرورش بر سکوی اول مسابقات ایستاد.

در این بازی تیم خوش ترکیب بیمارستان با ارائه یک بازی زیبا و دیدنی موفق شد ۶ بر ۲ حریف را از پیش رو بردارد و به مقام قهرمانی نائل آید و آموزش و پرورش دوم شد. پیش از این دیدار نیز اداره ورزش و جوانان و دانشگاه به مصاف هم رفتند که تیم دانشگاه پیروزشکی با ضریات پنالتی بر حریف برتری یافت و در جای سوم قرار گرفت و تیم فرمانداری بعنوان تیم برتر اخلاق برگزیده شد.

■ **دانش آموزان دویدند**

محمدرضا آذربار سریع‌تر از دانش آموزان دیگر از خط پایان گذاشت به انگیزه گرامیداشت هفته تربیت بدنی و ورزش یک دوره مسابقه دو با شرکت یکصد دوندۀ نوجوان به همت اداره آموزش و پرورش و هیئت ورزش همگانی این شهرستان به مسافت ۵کیلومتر برگزارشد.

درپایان محمدرضا آذربار از راهنمایی حسنی اول شد.یونس آبازیان و حمید پزشک از عالیان، علی محسنی از سعادت و علی سرشار از حسنی به ترتیب عناوین اول تا پنجم این رقابتها را به خود اختصاص دادند. این ورزشکاران با مربیگری عمار باقری به مسابقات استانی اعزام می‌شوند.

■ **انقلاب در لیگ دسته یک**

تیم انقلاب بعد از دوری یک ساله دوری یک ساله با قهرمانی در لیگ دسته دو گراش به لیگ دسته اول صعود کرد.

بازی‌های دسته دوم فوتبال گراش با حضور سه تیم به صورت رفت و برگشت انجام شد. تیم انقلاب با ۳ پیروزی و یک تساوی بالاتر از تیر و شهیدان حسن‌زاده روی سکوی نخست قرار گرفت.

■ **رقابت خانم های راکت به دست**

به مناسبت هفته تربیت بدنی و ورزش مسابقات پینگ پنگ بانوان در خانه پیننگ پنگ بانوحاجیه رضی برگزار که در رده خردسالان عرفانه فیروزی، هانیه زارعیان و زهره فتحی به ترتیب عناوین اول تا سوم را بدست آوردند. در رده نوجوانان نیز خانم ها زهرا افشار اول شد، معصومه پایمرد به مقام دوم دست یافت و سحر جعفری سوم شد و در رده جوانان نیز نگین رادمنش بر سکوی اول ایستاد. اسماء موغلی دوم شد و زهرا کرباسی به مقام سوم این مسابقات اکتفا نمودند.

در پایین به نفرات برتر جوایز اهدا گردید. این مسابقات به همت هیئت پینگ پنگ شهرستان گراش و همکاری تربیت بدنی آموزش و پرورش برگزار گردید.

■ **دو سوارکار گراشی روی سکوی دوم استان**

آبان‌ماه شهرستان گراش میزبان سوارکاران استان در رشته‌های پرش و استقامت خواهد بود. به گفته حسین متین، رییس هیات سوارکاری گراش، مسابقات پرش هم‌زمان با عید قربان انجام خواهد شد، و ده روز بعد نیز مسابقات استقامت در مسافت های ۴۰ و ۶۰ و ۹۰ کیلومتر برگزار خواهد شد. اما سوارکاران گراشی در مسابقات مختلف هم ماه پرکاری را از سر گذرانده‌اند. ۲۲ مهرماه، یک دوره مسابقه پرش با اسب رده آزاد (open) با حضور تعدادی از سوارکاران در باشگاه قهرمانان برگزار شد و نفرات اول تا سوم این مسابقه به این ترتیب مشخص شدند: حسین‌علی افشار، محسن حسن زاده، و محمد امین آشتیبار. سرداور این مسابقه علی آذرمنیا بود. در یک دوره مسابقه استقامت که در شهر ارستانجان برگزار شد، خانم پورشمسی در مسافت ۴۰ کیلومتر به مقام سوم دست یافت؛ و خانم صفری هم توانست این مسافت را پای کند تا جواز شرکت در مسابقات مسافت ۶۰ کیلومتر آینده را دریافت کند. در میان آقایان، مهدی ششوری توانست با اسب ملک در مسافت ۶۰ کیلومتر مقام دومی این دوره از مسابقات را به خود اختصاص دهد و مجوز راه‌یابی به مسابقات ۹۰ کیلومتر FEI استقامت را کسب نماید. مهدی کهندلی فقط به خاطر یک سهل‌انگاری از دور مسابقات حذف شد.

در نهایت، در مسابقه اسب‌های عرب جنوب کشور در شهرستان یاسوج از استان کهگیلویه و بویراحمد، مهدی تیموک توانست مقام دوم را به خود اختصاص دهد. تیم سوارکاری شهرستان گراش با ترکیب آقایان ابوذر هاشمی، مرتضی سلمانی و مهدی تیموک و خانم‌ها فاطمه حسن زاده، فرزانه آذرمنیا و راضیه کاظمی به مصاف حریفانی از استانهای خوزستان ،کهگیلویه و بویراحمد، اصفهان ، یزد و فارس رفت. مهدی تیموک سوارکار نام آشنای گراشی بر سکوی دوم این رقابتها ایستاد و در قسمت خانم‌ها فاطمه حسن‌زاده، فرزانه آذرمنیا و راضیه کاظمی به ترتیب عناوین چهارم تا ششم این مسابقات را به خود اختصاص دادند.

■ **از ارسال تا امسال**

حسن نژاد: بهترین نقطه‌ی قوت هر هیات به نظر من این است که انتقادپذیر باشد و نقدها و انتقادات و پیشنهادات را بشنود و در صورت امکان آن را اجرایی بکند. با توجه به مشکلاتی که سال قبل داشتیم، امسال سعی کردیم آن مشکلات را بر طرف و با تجربه و برنامه‌ریزی بهتری کار را شروع بکنیم. از ابتدای سال زمین چمن استادیوم را تحویل گرفتیم تا از نظر زمین مشکلی نداشته باشیم- و بازی‌ها را با کیفیت

بهتری برگزار بکنیم.

در طی این دو سال توانستیم یک خوابگاه با ظرفیت ۵۰۰ نفر و با امکانات کامل بسازیم. حدود ۷ میلیون تومان هزینه‌ی آن شد که این هزینه با کمک مردم و خیرین و گرفتن وام از صندوق امام علی (ع) تأمین کردیم. الان هم می‌توانیم از خوابگاه به عنوان یک منبع درآمد استفاده کنیم.

از زمانی که هیات را تحویل گرفتیم، اتاق هیئت فوتبال را از تربیت بدنی جدا و آن را تجهیز کردیم. اطلاعات بازیکنان فوتبال را هم جمع‌آوری و سازمان‌دهی کردیم؛ و در حال حاضر هر بازیکنی می‌تواند با ارائه کارت ملی خود، تمامی اطلاعات و آمار سوابق فوتبالی خود را ببیند

در اجرای قوانین هم مصرتر بودیم. از جمله اینکه از امسال برای ثبت قرارداد بازیکنان زیر ۱۸ سال، رضایت‌نامه‌ی محضری ولی بازیکن را اجباری کردیم. دیگر این که، در نظر داریم که از سال آینده، شناسنامه‌ی تیم‌ها باید مشخص باشد. مثلاً باید مشخص باشد که سرپرست و مدیرعامل و سرمربی فلان تیم کیست. تأکید ما هم بر این است که همه‌ی تیم‌ها باید حتما دارای رده‌های پایه باشند و در همه‌ی رده‌های سنی دارای تیم باشند؛ در غیر این صورت از حضور آنها در مسابقات بزرگسالان جلوگیری به عمل خواهد آمد.

آشفته:وقتی ماوارد هیاتفوتبال شدیم، نه مکان مشخص داشتیم،و نه امکاناتی. حتی یک روزنکن هم نبود که اطلاعات و نامه‌های اداری را بایگانی کنیم. اولین کاری که کردیم، سعی کردیم ساختار اداری هیات را کمی سامان ببخشیم و این کار وقت زیادی را از ما گرفت. یک دست صدا ندارد. اگر ۱۵ تیم حاضر در گراش همکاری‌های لازم را با ما داشته باشند، مطمئنا می‌توان در مدت زمان

گفتگو

سرعل محبی



■ **مربیان از تیم‌هایشان می‌گویند**

افشار: یکی از دلایل قهرمانی گراش جوان نسبت به پارسال این بود که حاشیه‌های کمتری داشتیم. علی‌رغم اینکه امسال ما حدود ۸ یا ۹ بازیکن اصلی‌مان را به دلایل مختلف از دست داده بودیم، از تیم‌های پایه خود استفاده کردیم- و جوانان را به مسابقات آوردیم. میانگین سنی تیم ما ۲۲ سال بوده است و سعی کردیم از نظر امکانات هم در حد توان چیزی کم نگذاریم. ما از هر نظر خرج کرده‌ایم، و به نظر من اگر گراش جوان قهرمان شد، نتیجه‌ی زحماتش را دید.

جوکار: انتظار از تیم ما بالاتر است، چون اولاً که نام شهدا را بر خود دارد؛ و دوماً که ما با زحمت و البته با نظر خیر مردم، توانستیم یک زمین تمرین مناسب تهیه کنیم و به تیم‌های پایه‌ی خودمان هم خیلی اهمیت داده‌ایم.

■ **سطح بازی‌های لیگ امسال**

افشار: ابتدا قرار بود بازی‌ها در آذر برگزار شود، که این برنامه‌ی جدید

لیگ۹۰

مسابقات فوتبال قهرمانی دسته اول گراش پس از انجام ۳۶ بازی و رد و بدل شدن ۹۵ گل با قهرمانی تیم فوتبال گراش جوان به پایان رسید و تیم‌های اتحاد و جوشن به ترتیب دوم و سوم شدند. بازی‌های امسال به دلیل نزدیک بودن سطح تیم‌ها از حساسیت‌ها خاصی برخوردار بود و ۹ تیم شرکت کننده برای به دست آورده مقام‌های سه گانه و سقوط نکردن به دسته پایین‌تر تلاش بسیاری کردند و بازی‌های زیبایی انجام دادند.

طبق صور تجلسه‌ای که در ابتدای فصل در حضور تیم‌ها نگارش شد دو تیم آخر جدول می‌بایست به دسته دوم سقوط و تیم اول دسته دوم به دسته اول صعود نماید. در رقابت‌های سال جاری داوران ۲۰ بار از کارت قرمز و ۱۴۳ بار از کارت زرد خود استفاده نمودند. به هر حال بازی‌ها هر چند در روز پائینی به درگیری مختصری همراه بود.

هیات فوتبال گراش حرف و حدیث‌های زیادی را از سر گذراند تا بتواند مسابقات را به پایان برساند. اسماعیل حسن‌نژاد، رییس هیات، که برای دومین سال این لیگ را برگزار می‌کند، چند ماه پیش اعضای همکارش را شناخت، و در طول مصاحبه بارها از همکاری و همدلی آنها تشکر می‌کند. می‌گوید نمونه‌اش هم همین الان است: با شاکر آشفته تماس می‌گیرد که برای مصاحبه به دفتر حمایت بیاید، و او نیز با اینکه مشغول کار خانه‌اش است، دعوت حسن‌نژاد را در عرض ده دقیقه اجابت می‌کند. مطلبی که می‌خوانید چکیده‌ای است از نظرات، جواب‌ها، و درد دل های این دو نماینده‌ی هیات فوتبال گراش.

کمتری مشکلات و ایرادها را بر طرف بکنیم و شاهد رشد و شکوفایی فوتبال گراش باشیم.

■ **تغییر زمان مسابقات**

نسبت به تقویم سالانه

حسن نژاد: آقای مهروری، دبیر قبلی هیات، تقویم قبلی را ارایه دادند که به ترتیب از رده‌های نونهالان، نوجوانان، جوانان تا بزرگسالان تاریخ برگزاری بازی‌ها را مشخص می‌کرد. این نشان می‌دهد که ما می‌خواستیم از تیم‌های پایه شروع کنیم، ولی این تقویم مورد اعتراض تیم‌ها قرار گرفت و چندین بار در تربیت بدنی جلسه برگزار شد و ما را خواستند و گفتند که بازی‌های بزرگسالان که هر سال در تابستان بوده، قرار باید به زمستان بیفتد؟ ما خیلی از طرف تیم‌ها و آقای اکبری تحت فشار قرار گرفتیم، و به دلیل همین فشارها مسابقات را زودتر شروع کردیم.

اگر گذشته بودند که طبق برنامه هیات مسابقات را پیش ببریم، قسم می‌خورم که بازی‌ها بهتر داشتیم. اگر انتقادی است گوش بدهیم. در یک جلسه، مسئولین ۱۵ تیم حضور داشتند و در آن جلسه برگه‌هایی به آنها دادیم که پیشنهادات و انتقادات خودشان را بنویسند، اما تنها تیم گراش جوان بود که برگه را پر کرده بود. در این مدت زمانی که من دبیر هیات بوده‌ام، تاکنون هیچ در خواست مسابقات به هیات نیامده و هیچ انتقادی یا نامه‌ای ننوشته‌اند اما پشت سر ما حرف می‌زنند.

■ **شرکت دادن تیم پیروزی هلال احمر**

آشفته: ما قبل از فصل از طریق یک

■ **تعامل بین هیات و تیم‌ها**

آشفته: متاسفانه خیلی چیزها را تیم‌ها در جلسات هیئت مطرح نمی‌کنند اما وقتی بیرون می‌روند، حرف‌های زیادی دارند. خب ما باید حرف‌ها را بشنویم و فرقی نمی‌کرد که اول شود یا پنجم. این حق دیگر تیم‌ها را ضایع می‌کرد، و کنار کشیدن‌اش هم حق تیم شهدا را ضایع کرد.

حسن‌نژاد: توجه کنید که از ۱۰ تیم حاضر، ۹ تیم باید می‌جنگیدند و تلاش می‌کردند، ولی برای تیم پیروزی هیچ فرقی نمی‌کرد که اول شود یا پنجم. این حق دیگر تیم‌ها را ضایع می‌کرد، و کنار کشیدن‌اش هم حق تیم شهدا را ضایع کرد.

■ **صدور کارت بازی برای بازیکن غیر مجاز، و تاخیر کمیته انضباطی در اعلام رای**

حسن‌نژاد: در مسابقات امسال، کارت

یکي از بازیکنان تیم شاهین به دلیل هیچ بودن صادر نشد. اما مسئولان این تیم به ما اعلام کردند که ایشان دفترچه‌ی آماده به خدمت را فرستاده است و رسید آن را نیز نشان دادند و سپس برگه‌ی اعلام به خدمت را نیز که

لیگ باشگاه‌های فوتبال گراش امسال با فراز و نشیب‌های نسبتا کمتری برگزار شد، و توانست رضایت نسبی هر دو گروهی که در آن نقش داشتند، یعنی هم هیات فوتبال گراش و هم مدیران تیم‌ها را جلب کند؛ هرچند هر دو گروه خاطرنشان می‌کنند که تا رسیدن به سطح مطلوب، راه درازی در پیش است. قصد این بود که برای بررسی این لیگ و همچنین فوتبال گراش به طور کلی، میزگردی با حضور سرمربیان ۹ تیم لیگ تشکیل دهیم. ولی فقط سرمربیان دو تیم گراش جوان و شهدا، یعنی عبدالرضا افشار و احسان جوکار در میزگرد حضور یافتند. فکر می‌کنیم این نه فقط حق، که حتی وظیفه‌ی مسئولان تیم‌هاست که نماینده تیم‌های خود را در چنین بحث‌هایی باشند و صحبت‌های زیرمجموعه‌شان را منتقل کنند. آنچه می‌خوانید، بخشی از صحبت‌های افشار و جوکار درباره‌ی تیم‌های خودشان، لیگ امسال، و فوتبال گراش است.

مشکلاتی را برای تیم ها به وجود می‌آورد، مثلا خیلی از تیم‌ها بازیکنان تاثیر گذارشان را که دانشجو بودند و در خارج از گراش درس می‌خوانند در اختیار نداشتند. اگر مسابقات در آذرماه برگزار می‌شد به نظر من توان تیم‌ها کاهش پیدا می‌کرد و شاید ۵۰ درصد خودشان هم نبودند. می طی یک نامه کتبی پیشنهادی به هیئت فوتبال دادم مبنی بر اینکه مسابقات نوجوانان و جوان بعد از برگزاری مسابقات داخلی آموزش و پرورش باشد؛ که بازیکنان در آنجا به یک آمادگی نسبی برسند و بعد بیایند و در اختیار تیم‌ها باشند. در مورد مسابقات بزرگسالان هم پیشنهاد دادیم قبل از برگزاری مسابقات، یک تورنمنت برگزار بکنند با حضور بازیکنان آزاد و امید، و به گونه‌ای هم برنامه‌ریزی شود که تعداد بازیکنان امید بیشتری بتوانند بازی بکنند که تیم‌ها برای مسابقات آماده باشند.

جوکار: به نظر من بازی‌های امسال نسبت به سال‌های گذشته تنش کمتری داشت، اما امکانات ورزشگاه خوب نبود. نور ورزشگاه با توجه به برگزاری بازی‌ها در شب خوب نبود و ما هنوز رختکن نداریم و بازیکنان سر زمین آماده می‌شوند. عوض شدن تقویم بازی‌ها هم به ضرر ما شد، چون ما بر مبنای آن، تمرکز خود را بیشتر روی مسابقات فوتسال جام رمضان گذاشتیم و این یکی از دلایل مهم افت برنامه‌ریزی شده که تعداد بازیکنان فوتبال گراش ۱۵ تیم نیست، ما اینقدر بازیکن نداریم.

■ **فوتبال گراش در این چند سال پیشرفت کرده است؟**

جوکار: به نظر من پیشرفت نکرده‌ایم. ما وقتی می‌توانیم بگوییم پیشرفت

افشار: از حق نگذریم، امسال در مورد

■ **عملکرد هیئت فوتبال**

افشار: از حق نگذریم، امسال در مورد

صادر شده بود برای ما آوردند. حتی در استان هم این رویه وجود دارد که در این جور مواقع، هیات کارت را صادر می‌کند و مسئولیت عواقب آن با تیم است.

آشفته: با اعتراض تیم ستاره آبی در رابطه از تیم شاهین، کمیته‌ی انضباطی ظرف چند روز رای خود را صادر کرد که بازیکن مورد نظر مشکلی برای بازی در مسابقه نداشته است. تیم ستاره آبی با ارایه درخواست کتبی خود به رای صادر شده اعتراض داشت، به همین دلیل موضوع را به استان ارجاع دادیم. استان رای خود را به نفع تیم ستاره آبی صادر کرد. این بار تیم شاهین به رای صادر شده اعتراض داشت و موضوع به کمیته استیناف رفت و رای استان تأیید شد. می‌بینید که تاخیر در اعلام به دلیل این اعتراضات بود و کمیته‌ی انضباطی دخالتی در این مورد نداشته است.

■ **برنامه‌های آینده**

حسن نژاد: چند روز پیش با آقایان ای‌تالهی و زکی‌پور دیدار کردم و در خواست دادم کلاس مربیگری B در گراش برگزار شود. با اینکه این کلاس‌ها به دلیل کمبود امکانات در شهرستان‌ها، فقط در مرکز استان برگزار می‌شود، اما ما روی درخواست خود پافشاری کردیم و گفتیم امکانات‌اش را فراهم می‌کنیم. در نهایت قرار شد ۲۵ همین ماه برای بازدید به گراش بیایند و اشنالسه این کلاس را در گراش برگزار خواهیم کرد. همچنین قرار شد در زمینه‌ی آخرین قوانین انضباطی سال ۹۰ هم بیایند و در گراش کلاس برگزار بکنند.

امسال و سال‌های آینده، نگاه ویژه‌ای هم به تیم‌های پایه خواهیم داشت. شما ببینید چند سال است دو تا تیم وارد لیگ‌های استانی می‌شوند و هنوز دارند از همان بازیکنان اولیه خود استفاده می‌کنند و بازیکن جوان و جدیدی به آنها اضافه نشده است. این بیان گر ضعف تیم‌ها و هیات است. در حال حاضر فوتبال گراش در منطقه حرف اول را می‌زند و در استان هم در کنار تیم های مثل مرودشت و فیروزآباد قرار گرفته است اما اگر نتوانیم بازیکنان جدید رو بکنیم در آینده عقب خواهیم افتاد. در حال حاضر تنها چند تیم هستند که به تیم‌های پایه اهمیت می‌دهند، مثل گراش جوان، ستاره آبی، اتحاد، جوشن و پیروزی؛ و بقیه تیم‌ها خوب فعالیت نمی‌کنند



برگزاری بازی‌ها خوب عمل کردند. هر چند مشکلاتی بود، اما بهتر از گذشته بود. برنامه‌ریزی بازی‌ها به جز یک مقطع کوتاه خوب بود. تمریزی و مرتب بودن ورزشگاه خوب بود. تماشاگران امسال نیز خیلی بهتر بودند و تنش‌های کمتری به وجود آمد. اگر کمبودها بر طرف شود، گراش پتانسیل برگزاری مسابقات مهم را هم دارد. انتقادی که تیم گراش جوان از هیات دارد در مورد مراسم اختتامیه بازی‌هاست که در شان هیات فوتبال و تیم قهرمان نبود.

جوکار: به نظر من هیات فوتبال مستقل نیست و از جاهای مختلف از جمله تربیت بدنی تحت فشار است، بازی‌های امسال خوب بود، اما شروع آن جالب نبود. برخی کارهای هیات فوتبال به تیم شهدا ضربه زد، از جمله شرکت دادن تیم پیروزی و سپس انصراف آن تیم، که باعث شد امتیاز ما را حذف کنند و در اواخر فصل تیم ما در خطر سقوط قرار بگیرد. آن ۳ امتیاز می‌توانست خیلی به ما کمک بکند.

